

ماه مبارك رمضان شاهراه رستگاری

تهیه و ترتیب:

خواهران / ام جهاد و ام شهید

زیر نگرانی:

ابو شهید

استاد دانشگاه بین المللی اسلامی اسلام آباد

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

دریچه.....	۷
هلال ماه مبارک رمضان بین حقیقت و خیال!.....	۱۱
پیشواز به سوی بهار قرآن.....	۱۶
چگونه از ماه نزول قرآن استقبال کنیم؟.....	۱۶
رمضان ماه نبرد و کارزار در راه خدا.....	۱۷
فضائل روزه و رمضان.....	۲۴
برای روزه‌دار دو خوشحالی است که روح و روان او را شاداب می‌کنند:.....	۲۵
فضیلت‌های ماه رمضان و روزه‌اش.....	۲۶
حکم و فوائد روزه ماه مبارک رمضان.....	۲۸
فوائد روزه.....	۲۹
راه و روش پیامبر ﷺ در رمضان.....	۳۰
چه چیز برای روزه‌دار شایسته و چه چیز واجب است؟.....	۳۰
روزه و تربیت نفس.....	۳۱
آداب روزه و سنت‌هایش.....	۳۳
[چند پرسش و پاسخ مهم در مورد روزه و رمضان]	۳۴
خوابیدن ساعت‌های طولانی از روز.....	۳۴
ترک کردن نماز روزه‌دار!.....	۳۴
بدون عذر روزه نگرفتن.....	۳۵

- ۳۵..... بنده رمضان!
- ۳۶..... خوردن در وقت اذان صبح
- ۳۶..... بلعیدن آب دهن
- ۳۶..... مسواک در روز
- ۳۷..... خمیر دندان و قطره
- ۳۷..... وارد شدن آب به حلق از روی عمد
- ۳۷..... جنب - استفراغ - خون
- ۳۸..... استفاده از بوی خوش
- ۳۸..... از جمله چیزهایی که علما استعمالشان را در روز رمضان جایز دانسته‌اند
- ۳۹..... راه و روش پیامبر در روزه
- ۳۹..... تشویق کردن بچه‌ها به روزه در رمضان
- ۴۰..... چیزهای که روزه را باطل می‌کنند
- ۴۰..... کسانی که خوردن روزه در رمضان برایشان مباح است
- ۴۱..... حکم روزه برای کسی که مریض است و امید به شفایش نیست
- ۴۲..... حکم روزه خوردن کارگر
- ۴۲..... زنی که بلافاصله بعد از فجر پاک شود
- ۴۲..... خوردن قرص‌هایی که برای منع حیض در رمضان استفاده می‌شوند
- ۴۳..... حکم تأخیر قضای رمضان
- ۴۳..... **نماز تراویح**
- ۴۵..... فتواهای که برای سحر و تراویح داده شده است
- ۴۵..... حکم نماز تراویح
- ۴۶..... قرائت قرآن از روی قرآن در تراویح
- ۴۶..... رفتن از یک مسجد به مسجد دیگر

۴۷ بهتر است که تابع امام باشیم
۴۷ سحری و قیام اللیل:
۴۸ ده روز آخر ماه رمضان
۴۹ اعتکاف
۴۹ ای برادر و خواهر معتکف:
۵۰ حکم اعتکاف و شرطهایش
۵۰ لیلة القدر
۵۱ درجه‌های روزه داران
۵۲ رمضان ماه قرآن
۵۲ رمضان ماه بخشش و سخاوت
۵۳ چند نصیحت
۵۶ عمره در ماه مبارك رمضان
۵۶ وداع با ماه نور
۵۸ بعد از رمضان
۶۰ زکات فطر (فطریه)
۶۱ عید
۶۲ از سنت‌ها و مستحبات عید
۶۳ وقت نماز عید
۶۳ مکان نماز
۶۳ قضاء نماز عید
۶۴ ضمیمه
۶۴ ۱- دعای قنوت

۶۹.....۲- نیایش سحرگاهان.....

دریچه

حمد و سپاس بیکران و ستایش و مدح و ثنای بی‌مانند از آن ذات پاک یکتائی که امت ما را بر امت‌های پیشین برتری‌ها داد، اله و خالقی که به ما ماه پر نور و برکت رمضان را هدیه کرد، خدائی که شب قدر را به ما ارزانی داشت تا با یک شب اجر هزار ماه طاعت و عبادت بدست آریم...

سلام و درود و صلوات پر بار بادا رسول هدایت را، راهنمای بشریت و هادی انسان از سیاه چال‌های ظلمت و تاریکی به سوی مراتب والای نور و هدایت... پیام آور توحید و رسالت... آنکه پرتو ماه پر نور رمضان بر دستان مبارکش از جانب پروردگاران به ما ارزانی داشته شد...

رمضان ایستگاه پر نور سال است... در رمضان حقیقت هر انسان برملا می‌شود و پرده از واقعیتش بر کشیده می‌گردد... تو گویی رمضان ندای رب العالمین است... برای بندگانی که همیشه گناه و کوتاهی خویش بر دوش شیطان لعین می‌اندازند و شانه از زیر بار کوتاهی‌های خویش خالی می‌کنند...

ندای پر طنین آسمانی است که با صلابت قلب‌ها را بخود می‌آرد که ای بندگان خدا... حال که ما شیطان‌ها را به زنجیر کشیده‌ایم درهای جهنم سوزناک را قفل و زنجیر زده‌ایم و درهای بهشت‌های برین را باز گشوده‌ایم... به میدان آی و خودت را نشان ده.

ثابت کن که کیستی و چه در توان داری... با دستان خود جایگاهت را در بهشت‌های والای الهی رقم زن...

آری! رمضان ماه نور و یکرویی است... ماه مرد خدا بودن و یا شیطان شدن (!) است.. آنکه در رمضان ره خدا نجوید و یا در ره شیطان نهد او دیگر راه شیطان نیموده و یا در دام شیطان نیفتاده، بلکه او خود شیطانی است از شیاطین بشر... چرا که در رمضان

شیطانی نیست که او را از راه به چاه کشد... این صفات شیطانی است که در خون ورگ او با او آمیخته شده و فطرت و وجدان ایمانی او را درهم شکسته از او موجودی دیگر در کالبد انسانی پرورده... که اگر توان دیدن او را با آینه صدق و صفای ایمانی داشته باشی همان چهره ننگ و عصیانگر شیطان را در چهار چوب کالبدی انسانیش خواهی دید...

بار دگر رمضان به دیدار انسانیت می آید در حالیکه هنوز سرزمین های مسلمانان غرق در خون است... رمضان به امید اینکه شاید خون های سال گذشته خشک شده باشند و ملت های اسلامی ره به سوی رشادت برده باشند و یا اینکه از خواب سنگین خرگوشی بیدار شده باشند بار دگر فرا رسید... اما دید که با تلاق های خون مسلمانان مظلوم سیلاب شده، دریاچه های خون اقیانوس گشته... کمرهای مسلمانان در هر جای دنیا زیر تازیانه های کفر به زانو در افتاده است...

چشمان رمضان چنین حیره و حیران به جهان دوخته گشته... اما چه کند که او را زبانی و توانی نیست.

آیا گمان می بری که اگر رمضان را توانی بود و خبر از قصه همیشگی ظلم و ستم، ذلت و خواری ... آیا بار دگر می آمد... گمانم هرگز!

آیا اگر رمضان را زبانی می بود با صدای بلند داد بر نمی آورد که:

- ای مسلمانان بر خیزید... این چه عزا و چه ماتم است؟ تا کی در زیر تازیانه های ظالمان شراب ذلت و خواری را مستانه می نوشید؟

من آمده ام تا گناهانتان را شستشو دهم، بیائید دست در دستانم نهید تا پاک شوید و به سوی درگاه پروردگارتان دستان لرزان امید و آرزو دراز کنید شاید که خداوند در شما همت حرکت نهاد... برخیزید و کیان ظلم و ستم از زمین برچینید...

اما چه که بغض گلوی رمضان را محکم فشرده و توان سخن از او ربنده است... و ای کاش مسلمانان پیام رمضان دریابند و حرف ناگفته را خود شنوند.

این چند سطر در برگیرنده برخی از احکام رمضان است که به روزه داران تقدیم

می‌داریم بدین امید که مورد استفاده آن‌ها قرار گیرد و در این ماه پر برکت رمضان یادی از ما در دعاهایشان کنند شاید که خداوند متعال دعای دوستی و برادری را در حق ما پذیرا شود و گناهان بی‌منتھایی ما را بر ما ببخشد، و ما را در زیر سایه لطف و کرمش همواره سربازان راه خود قرار دهد.

با التماس دعا

أم جهاد و أم شهید

هلال ماه مبارک رمضان بین حقیقت و خیال!

با فرو ریخته شدن پایه‌های متزلزل خلافت عثمانی آخرین پرچمی که با نام اسلام در صحرای وحشتناک جهالت قرن نوزدهم بر افراشته شده بود، این میراث بزرگ بین فرزندان ناباب اسلام، یعنی مسلمانانی که با اسلام فرسنگ‌ها فاصله داشتند به طور ناعادلانه تقسیم گشت.

دست خون آشام استعمار نیز در این مسئله دخالت کرده، از هر چند شهرکی کشوری ساخته بر هر سری کلاهی با رنگ و بوی خاصی نهاده شد.

از آنروز هیمنه سیاسی با نظام و حکومت الهی قهر کرده خودش را به سوی نظام‌های بی‌نظام غربی سوق داد که نهایتاً این کشورهای بی‌قانون جهان سوم، پدیده آن حرکت پوشیده و پوسیده قدیم که نه خدای را پیششان ارزشی است و نه انسان را، بوجود آمدند. بار دیگر قرآن بزدان رفت و اسلام در زیر چکمه‌های بچه‌های عاق شده‌اش در سلول‌های تاریک و وحشتناک به جیغ و فریاد درآمد.

امروزه شاهدان عینی این همه وحشیگری و بی‌خدایی هستیم که فردا در میدان محشر شهادت خواهیم داد و با پرده کشیدن از اینهمه ظلم و ستم رسوایی ظالمان و ستمگران را شاهد خواهیم شد.

از آنجا که روح دین و خدا پرستی در سینه‌های این امت کاشته شده و با رگ و خونشان آمیخته شده بود، هر حکومتی برای جذب مردم ندای اسلام برآورد و قرآن را در کنار داس و چکش و یا صلیب و کرواتش و یا... قرار داد.

دین اسلام نیز دینی است شامل که تمامی شئون زندگی فردی و زندگی اجتماعی را برای پیروانش ترسیم نموده، که التزام به آن می‌بایستی همه جوانب را بپوشاند، احکام شخصی و فردی فقط دور و بر تکه گوشتی که قلب نامیده می‌شود می‌چرخد و پس از آن

احکام اجتماعی است که این قلب با خدا را با قلب‌های دیگر هم خانواده‌اش می‌آمیزاند. از جمله این عبادات همگانی عبادت روزه است که سالی یکماه معده‌ای که همواره زیر رحمت الهی با نظام خاصی نعمت‌های پروردگارش را می‌بلعید در این مدت کوتاه کمکی استراحت می‌کند تا بتواند با ادای فرامین پروردگارش شکری بجا آورد.

در ضمن روح و روان از خالی شده معده استفاده کرده غذای مورد علاقه خود را در می‌یابند و باز پس از سفری طولانی در گناه و معصیت به سوی ریسمان معصوم الهی بازگشته اعتراف می‌کنند که ما بنده‌ایم، بنده و برده پروردگار عالمیان فقط.

بنده خدا فقط بنده او بودن یعنی از عبادت همه دست کشیدن و بسوی او روی آوردن... مخالف اله منشی بسیاری از حکومت‌ها است از اینرو آن‌ها همواره سعی می‌کنند که در این عبادت الهی نیز دخالت کرده آن را زیر قانون‌های اساسی بی‌اساسشان در آرند. بهمین جهت از مسئله اختلاف مطالع - یعنی اختلاف در طلوع ماه و خورشید - سوء استفاده کرده آن را بر زبان علمای درباری، خواسته یا ناخواسته، مطرح می‌کنند تا همیشه نشان در روغن بماند!

در حقیقت در فقه اسلامی چیزی بنام «اختلاف طلوع و غروب ماه و خورشید» مطرح بوده است و پیامبر اسلام نیز فرموده‌اند: «صوموا لرؤیته و أفطروا لرؤیته». یعنی با دیدن هلال رمضان روزه بگیرید و با دیدن هلال شوال افطار کنید.

این تنها راه دریافتن ماه مبارک رمضان بوده و هست. اما همانطور که واضح و روشن است سخن پیامبر گرامی اسلام ﷺ موجه بهمه امت اسلامی است پس اگر چنانچه چند نفر از این امت در جایی از کره زمین هلال ماه مبارک رمضان را دیدند روزه بر همه امت واجب می‌شود، نه اینکه ما طبق نظام امروزی اوامر پیامبر اسلام را تأویل کنیم و بگوئیم که ایشان اهل هر کشوری را جداگانه امر فرموده‌اند، چرا که:

اولاً: وجود این کشورها و مرزهای آن‌ها طبق نظام سیاسی معینی است که روز بروز تغییر می‌کند در حالی که نظام اسلام و احکام الهی ثابت است - مگر در موارد برخی

احکام اجتهادی - که اجتهاد نیز در دایره نص ثابت انجام می‌گیرد.
 ثانیاً: مناطق مرزی هر کشوری بکشور همسایه نزدیک‌ترند تا به پایتخت کشور خود، مثلاً فاصله مناطق جنوبی با کشورهای عربی کمتر است تا فاصله شان با پایتخت کشور پس بر چه اساسی در دیدن ماه تابع پایتخت خود باشند؟ (شاید دانستن این نقطه برایت جالب توجه باشد که فاصله بین پاکستان و ایران جاده‌ای است به عرض ۴ متر و فاصله بین پاکستان و افغانستان طنابی به قطر ۲ سانتی متر (!) و می‌بینی که در این سوی طناب و آنسوی اسفالت مردم آدامس نشخوار می‌کنند در حالیکه همسایه‌ها و خویشان‌شان تسبیح بدست با دهان روزه ذکر خدا می‌گویند، و چند پگاهی بعد در اینسوی طناب مردم عید را به همدیگر تبریک می‌گویند در حالیکه در آن سو چشمان برادرانشان خیره به آسمان در انتظار شب قدر است! - سؤال گریه برانگیز اینست که چرا مسلمانان عقل‌هایشان را بکار نمی‌گیرند؟).

از این قرائن و بسیاری جهات دیگر واضح می‌شود که اختلافاتی که در روزه بعضی از اقوام پیشین بوده سبب آن مسافت طولانی راه و نه بودن وسائل حمل و نقل سریع بوده نه اختلاف مطالع، بدین معنی که مثلاً در شهری ماه دیده شده و مردم شروع بروزه گرفتن نموده‌اند اما در شهر دیگری که از شهر اول ۲۰۰ کیلو متر فاصله داشته بسی، از جمله مه آلود بودن هوا، ویا ابری بودن آسمان ویا... ماه دیده نشده وروز بعد با دیدن ماه ویا با کامل شدن ۳۰ روز شعبان، رمضان‌شان شروع شده، بر همین اساس عید این دو شهر نیز با اختلاف یک روز بر پا می‌شود که این امر اگر چنانچه واقعاً در گذشته اتفاق افتاده، هیچ غوغائی را نمی‌توانست به پا کند چرا که چاره‌ای جز قبول آن نبود و این اختلاف - در طول مسافت گم می‌شد، وکسی نمی‌توانست بر دیگری اعتراض کند.

اما امروزه با پیشرفت علم بشری - که این خود یکی از راه‌های خداشناسی است و خداوند متعال با تأکید فراوان می‌فرماید که ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ [فاطر: ۲۸]. «تنها و تنها دانشمندانند که از خداوند می‌ترسند».

پس دانش راهی است برای دریافتن قدرت الهی و علم همیشه و همواره در خدمت تعالیم الهی بوده است. انسان توانسته است که از نظام گردش زمین و خورشید و ماه بطور کلی باخبر شده و از بسیاری از ریزه کاری‌های آن مطلع گردد، و اگر ما توجه کنیم در خواهیم یافت که همه جهان اسلام - کشورهای اسلامی - در یک شب با هم مشترکند - و اختلاف طلوع و غروب بیش از چند ساعت نیست - و این بدین معنی است که همه ما در مسیر گردش «یک ماه» قرار می‌گیریم - یعنی همان هلالی که در یمن قبل از چند ساعت دیده شده بعد از چند ساعتی در شهر ما و در کشور ما می‌بایستی دیده شود، و اگر عواملی طبیعی ویا... مانع دیدن ما شد دیگر بر ما هیچ عذری و بهانه‌ای نیست و می‌بایستی بنا بر سخن برادرانمان روزه بگیریم چرا که امت اسلامی یک جسد هماهنگ است.

و آیا واقعاً شرم آور نیست که مثلاً در کشورهای چون کشورهای عرب در خلیج که هر کشوری از شهرکی بزرگتر نیست یکی امروز و دیگری فردا و آن دیگر بعد از دو روز دیگر رمضان شروع می‌شود. و اگر امروز روابط سیاسی با کشور فلان هماهنگی می‌کرد در روزه امسال همسفرش خواهد شد و إلا مخالفت پیشه می‌گیرد. (هلال سیاسی یا هلال شرعی!! بنگر که چرا برخی از سال‌ها روزه ما با عربستان سعودی هماهنگ می‌شود و سال‌های دیگر یک روز به عقب می‌افتد؟ در سال‌های اتفاق اختلاف مطلع کجا رفته بود؟ - شاید جواب این سؤال در وزارت خارجه نهفته باشد!).

و آیا شرم آور نیست که در شهرهای بزرگ دنیا چون لندن و پاریس مسلمانان سه روز نماز عید می‌گذارند، سعودی‌ها بر طبق عید سعودی، ایرانی‌ها بر اساس عید در ایران، و ترک‌ها همگام با عید ترکیه!

روزهای سال چون واکنش‌های یک قطار بهم چسپیده، پیش می‌روند. اگر ما بطور مثال، یک روز قبل از کشور عربستان روزه بگیریم پس ما یک روز از آن‌هایی که بر اساس اعتقاد خویش دیرتر روزه گرفته‌اند جلو خواهیم افتاد، از اینرو احکام حج ما نیز می‌بایستی یک روز جلو بیفتد و قیام در عرفات ما نیز یک روز جلو می‌افتد، عید قربان ما

نیز قبل از عید آن‌ها خواهد بود و اگر چنانچه کشوری دیگر بعد از آن‌ها روزه گرفته باشد در همه این مسائل یک روز با آن‌ها و دو روز با ما اختلاف خواهد داشت. واضح‌تر اینکه: روزی که حجاج خانه مطهر خداوند متعال در عرفات هستند و نیمی از مسلمانان جهان بنا به سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم روزه دارند ما قربانی‌هایمان را می‌بایستی سر ببریم، و در روز دیگر که حجاج بیت الله الحرام قربانی می‌دهند و روزه اساساً حرام است برادرهای دیگر ما در جای دیگری از دنیا دهان به روزه عرفة دارند!!!

پس همانگونه که روشن شد این یک نوع قلاعب و بازی گرفتن احکام است و در طول تاریخ اسلام چه در زمان پیامبر اکرم ﷺ و چه در زمان یاران آنحضرت و بعد از آن‌ها همچنین مسئله‌ای اصلاً روی نداده و مطرح نبوده است. حال بیا یک لحظه با خود بیندیشیم که این اختلاف ساختگی چه‌ها می‌تواند بر پا کند.

۱- کره زمین امروز چون یک دهکده کوچکی است که همه انسان‌ها می‌توانند در کوتاه‌ترین وقت و با ساده‌ترین روش‌ها با هم رابطه برقرار کرده بهم برسند. در چنین موقعیتی اختلاف در اولین روز رمضان و عید چه معنا دارد؟!

۲- در شهرهای بزرگی که مردم صدها کشور مختلف بنابه احتیاجات روز مره و روابط گوناگون دور هم جمع شده‌اند و هر یکی در احکام تابع فتوای کشور خودش است برقرار کرده چند نماز عید در چند روز متوالی چه معنا دارد؟!

آیا این‌ها همه منافی مفهوم عید و اجتماع در نماز و... نیست؟

و آیا با هماهنگی عبادت روزه تعارض ندارد؟

پیشرفت علم ثابت کرده که این اختلاف هیچ گونه دلیلی نداشته و تنها بر اوهام و تنگ نظری‌ها بنا شده است. و در حقیقت این یک مسئله علمی و نجومی است نه یک مسئله فقهی که بر فتوای قدیم بنا شود.

هر یک از ما اگر قدری با خود بیندیشد و مسئله را بدون تعصب و جهت‌گیری فقط و فقط برای رسیدن بحقیقت بنگرد، در خواهد یافت که این جنجال جز یک تئاتر بی‌معنا

چیز دیگری نیست و در خواهد یافت که امام ابوحنیفه رحمه الله وقتی در فتوایشان فرمودند که: «اگر چنانچه یک مسلمان راستگو در هر جایی از زمین ماه را ببیند روزه رمضان بر همه مسلمانان واجب می شود».

چقدر دور اندیش و حکیم بوده است. نمی دانم که چرا ما در این مورد بخصوص سخن آن حضرت را زیر پا نهاده و به رأی ضعیفتر و مخالف با عقل و منطق و علم روی می آوریم؟!

پیشواز به سوی بهار قرآن

چگونه از ماه نزول قرآن استقبال کنیم؟

پروردگار جهانیان می فرماید: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ [البقرة: ۱۸۵].

ترجمه: «ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است برای هدایت مردم و با ادله و براهین آشکارا و روشن برای راهنمایی».

چنین به استقبال رمضان رویم:

- توبه خالصانه به درگاه احدیت و استغفار کردن از گناهان خود.
- آموختن اصول روزه در ماه رمضان.
- با اعمال نیکو و صالح و اراده راسخ و صادقانه و با همت بلند به پیشواز رمضان رویم.
- آمادگی کامل برای رمضان چرا که لحظه ها و روزهای آن بسرعت باد سپری می شوند.
- کوشش کردن برای حفظ اذکار و دعاها و مواظبت بر خصوصیات که متعلق به این ماه مبارک است.
- قرآن را برنامه زندگی قرار دهیم و آن را تلاوت نموده به احکام آن عمل نمائیم.

- ماه رمضان را ماه قرآن قرار دهیم، قرآن بخوانیم، بیاموزیم و بیاموزانیم، و بسوی قرآن دعوت کنیم.

رمضان ماه نبرد و کارزار در راه خدا

برخی با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان جامه تبلی و بیهودگی بر تن نهاده گمان می‌برند که رمضان یعنی از راستای زندگی در آمدن و در بستر خواب و بیهودگی لمیدن! اما مسلمان واقعی که درس زندگی را از دانشگاه رسول اکرم ﷺ می‌آموزد همواره در پی دریافت حقائق از آن أسوه رستگاری است.

با مروری گذرا بر تاریخ اسلامی در می‌یابیم که بزرگترین تحولات تاریخی و بزرگ‌ترین برنامه‌ای دعوی پیامبر اکرم ﷺ در رمضان صورت گرفته است.

قرآن کریم راهگشای هدایت و برنامه زندگی و اساسنامه دولت اسلامی و حکومت عدل الهی در این ماه مبارک به بشریت هدیه داده شد ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ [البقرة: ۱۸۵].

ترجمه: «ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن برای هدایت و رستگاری مردم با أدله روشن برای راهنمایی وجدائی حق از باطل نازل شده است».

ماه رمضان ماه صداقت زمین و آسمان بود، پرتو پرنور سعادت آسمانی بر زمین وزمینیان.

در این ماه بود که زوزه شمشیر در مقابل غرّش ایمان سر خم کرد و برای همیشه تاریخ بشریت شاهد و گواه آن شد که آهن پاره‌ها را توان مقابله با ایمان نیست! آری! معرکه بدر...

غزوه بدر که معرکه ثبات اسلام و درهم شکستن کفر و جهالت بود ثمره رمضان است، «بدر» در تاریخ اسلامی یعنی میدان تاریخ ساز... میدانی که در پهنای آن دو راه بیشتر نبود، یا پیروزی اسلام بر کفر که آن بسیار ناممکن نمودار بود و یا درهم شکستن پایه‌های

ضعیف مسلمانان و پیروزی جهالت و ظلمت بر نور که میدان معرکه چنین نمایان می‌کرد. اما خواست پروردگار بود که ۳۱۳ مسلمان چوب و چماق بدست بر بیش از هزار مرد جنگی مسلح به مدرن‌ترین اسلحه‌های زمانه خویش سوار بر اسب‌های نیرومند جنگی، غالب آیند و خورشید تابان ایمان بر تاریکی‌ها پیروز گردد.

در اینجا بر مهم‌ترین غزوه‌های پیامبر ﷺ که در طول ۱۳ سال حکومت اسلامی مدینه در زمان پیامبر اکرم ﷺ رخ داد و بر برخی از بارزترین جنگ‌های تاریخ اسلامی اشاره می‌کنیم تا عاشقان زندگی آن بزرگمرد نبوت به کتاب‌های سیره و تاریخ اسلام رجوع کرده از نزدیک نظاره گر واقعیت‌ها و تفصیل تاریخی این حقائق زیبا و شیرین باشند، حقائقی که در مؤمنان روح از خود گذشتگی و فداکاری می‌دمد.

نام معرکه	تاریخ نبرد	فرمانده لشکر اسلام	فرمانده لشکر کفر	تعداد نیروهای اسلام	تعداد نیروی کفر	نتیجه نبرد
سریه سیف البحر	جمعه / رمضان سال اول هجری	حمزه فرزند عبدالمطلب عموی پیامبر اکرم	أبو جهل	۳۰ مجاهد سواره	۳۰۰ مرد جنگی	جنگی صورت نگرفت و مسلمانان به نیروهای دشمن فهماندند که همیشه آمدگی مقابله دارند.
غزوه	جمعه / ۱۷	پیامبر اکرم	أبو جهل	۳۱۳ نفر	۱۰۰۰	پیروزی

لشکر اسلامی. مسلمانان ۲۲ شهید دادند در حالیکه از کافران ۷۰ نفر بهلاکت رسید و ۷۰ نفر اسیر شد و بقیه پا به فرار گذاشتند	مرد جنگی با اسلحه کامل	بدون اسلحه و آمادگی			رمضان سال دوم هجری	بدر کبری
عمیر خواهرش را که مردم را بر علیه مسلمانان بر می انگیزت بهلاکت رسانید.					رمضان سال دوم هجری	سریه عمیر بن العدی
قبیله بنو قزاره با تبلیغات أم			أم قرفه	ابوبکر صدیق یار غار پیامبر	رمضان سال ششم هجری	سریه أم قرفه

قرفه بر کاروان تجارتی زید بن حارثه حمله ور شده کاروان را ربوندند، پیامبر اکرم گروهی را به رهبری ابوبکر صدیق برای نجات کاروان فرستادند که در این درگیری ام قرفه ودخترش وبرخی دیگر به اسارت مسلمانان در آمده، بقیه				اکرم		
--	--	--	--	------	--	--

فرار کردند.						
درگیری بین مسلمانان و مردم میفعه که در ضمن تحالف با یهودیان خیبر بودند صورت پذیرفت.				غالب بن عبدالله	رمضان سال هفتم هجری	سریه المیفعه
مکه به وسیله مسلمانان فتح شد در این حادثه تاریخ ساز فقط دو تن از مسلمانان شهید شدند و ۱۲ نفر از مشرکان بهلاکت رسیدند			قریش مکه	پیامبر اکرم	۱۰/رمضان سال هشتم هجری	غزوه فتح مکه

وشهر در دست مسلمانان افتاد.						
اسپانیا دروازه اروپا به سیطره لشکر اسلام در آمد ونیروهای اسلامی توانستند پس از آن سینه دریا را شکافته تا فرانسه به پیش روند.			لوزریق	طارق بن زیاد	۲۸ رمضان / سال ۹۲ هجری	فتح آندلس (اسپانیای امروزی)
لشکر مسیحیان شکست چشم گیری خورد و پا به فرار	بیش از ۸۰ هزار مرد جنگی			یوسف بن تاشقین	روز جمعه ۱۲۵ رمضان ۴۷۹ هـ	جنگ زلاقه

گذاشت.						
مغولیان وحشی که سالها دنیای اسلام را در زیر تاخت وتاز خود به تاراج برده بودند، بغداد ودمشق پایتختهای جهان اسلام جولانگاه اسبان چنگیز خان مغول شده بود در جنگ نابرابرانه عین جالوت پوزیه شان برای همیشه به زمین مالیده شد				سلطان قطز (نـوـه خوارزمشاه، خواهر زاده سلطان جلال الدین خوارزمی)	روز جمعه ۱۵ / رمضان ۶۵۸ هـ	جنگ عین جالوت

وکمر شان						
درهم						
شکست.						

فضائل روزه و رمضان

خداوند متعال برای روزه اجر و پاداش بسیار بزرگ و بخشش زیادی قرار داده است همانطور که در سوره احزاب آیه ۳۵ می‌فرماید: ﴿...وَالصَّيِّمِينَ وَالصَّيِّمَاتِ﴾ [الأحزاب: ۳۵]. و در دنباله آیه می‌فرماید: ﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾. ترجمه: «زنان و مردان روزه دار... برای همه آنها خداوند متعال مغفرت و پاداش بسیار بزرگی مهیا ساخته است».

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «ما من عبد يصوم يوماً في سبيل الله إلا باعد الله بذلك وجهه عن النار سبعين خريفاً».

فرموده رسول اکرم ﷺ است که: «هر کسی که فقط بخاطر خداوند روزه می‌گیرد خداوند آتش جهنم را از او ۷۰ سال دور می‌سازد».

روزی أبو امامه به نزد پیامبر ﷺ آمدند و از ایشان سؤال کردند یا رسول الله مرا از انجام دادن کاری که باعث داخل شدنم به بهشت می‌شود با خبر ساز؟

رسول الله ﷺ در جواب فرمودند: «علیک بالصوم، فإنه لا مثل له».

ترجمه: «روزه بگیر، چرا که اجر و پاداش هیچ چیز مثل آن نیست».

در حدیث قدسی خداوند متعال می‌فرماید: «کل عمل ابن آدم له إلا الصيام فإنه لي وأنا أجزي به، والصيام جنة - أي وقاية - وإذا كان يوم صوم أحدكم فلا يرفث ولا يصخب، فإن سابى أحد أو قاتله فليقل: إني امرؤ صائم، والذي نفس محمد بيده لخلوف فم الصائم أطيب عند الله من ريح المسك، للصائم فرحتان يفرحها؛ فرح إذا أفطر بفطره، وإذا لقي ربه

فرح بصومه».

«هر کار ابن آدم برای خودش است مگر روزه، که آن برای من است و من جزا و پاداشش را می‌دهم و روزه سپری است. پس اگر کسی از شما خواست روزه بگیرد فحش ندهد و خشمگین نشود و اگر کسی او را ناسزا گفت یا با او درگیر دعوا و مشاجره شد به او بگوید؛ من شخص روزه داری هستم و قسم به کسی که جان محمد در دست اوست بوی دهن روزه دار در نزد خداوند خوشبوتر است از بوی مسک و عنبر».

برای روزه‌دار دو خوشحالی است که روح و روان او را شاداب می‌کنند:

۱- هنگامیکه افطار می‌کند بخاطر افطارش خوشحال می‌شود.

۲- هنگامیکه پروردگارش را ملاقات می‌کند بخاطر روزه‌ای که گرفته بود خوشحال می‌شود.

اما خوشحالی روزه دار هنگام افطارش: وقتی است که نفس‌ها میل دارند به سوی چیزهایی که از آن‌ها منع شده‌اند از جمله خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها و شهوات نفسانی. روزه دار برای نزدیک شدن به خداوند شهواتش را ترک می‌کند بر طاعت و عبادتش می‌افزاید و به طرف او مبادرت می‌ورزد. و در شب که خلوتگاه بنده و پروردگارش است برمی‌خیزد و او را تسبیح می‌گوید. و در روز به امر پروردگارش آنچه را که او برای روزه دار حرام دانسته را ترک می‌کند و به آن بر نمی‌گردد مگر به امر پروردگارش. پس در هر دو صورت فرمانبرداری است و به همین علت از روزه گرفتن پی در پی در چند روز بدون طعام نهی کرده شده است.

پس اگر روزه دار تقرب به سوی خداوند را خواهان باشد باید بخورد و بیاشامد و شکر و سپاس پروردگارش را بجای آورد تا در درگاه پروردگارش مورد مغفرت و آمرزش قرار گیرد و شاید دعایش مستجاب شود همانطور که در حدیث آمده است: «برای روزه دار هنگام افطارش دعوتی است که رد نمی‌شود». (دعایی که مستجاب می‌شود).

اگر کسی در هنگام افطار نیتش بر این باشد که چیزی که می‌خورد و می‌آشامد در او

نیرو و توان و انرژی بوجود آورد تا روز بعد بتواند روزه بگیرد و بتواند طاعت و عبادت کند برای او اجر و پاداشی نوشته خواهد شد حتی اگر او هنگام خواب - چه در شب و چه در روز- نیت کند به اینکه بعد از آن برای انجام طاعات و عبادات الهی نیرو بگیرد، خواب برایش عبادت محسوب می‌شود.

پس در اینصورت روزه دار شب و روزش عبادت است و دعایش در هنگام روزه مستجاب خواهد شد. و همچنین در هنگام افطارش، پس او در روزه‌اش روزه دار صبور است و در شبش عبادت کننده و شکرگذار.

همانطور که گفته شده خوشحالی روزه دار هنگام افطارش از فضل و رحمت الهی است. چرا که خداوند در سوره یونس آیه ۵۸ می‌فرماید:

﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [یونس: ۵۸].

ترجمه: «ای رسول من به مردم بگو شما باید منحصراً بفضل و رحمت خداوند شادمان شوید که آن بهتر و مفیدتر از ثروتی است که برای خود اندوخته می‌کنید». و شرط آن اینست که چیزی که با آن فطار می‌کند حلال باشد و اگر بر چیزی که خداوند آن را حرام کرده افطار کرد خداوند دعایش را استجاب نمی‌کند همانطور که رسول اکرم ﷺ می‌فرماید.

«یمد یدیه إلى السماء: یا رب یا رب، و مطعمه حرام و مشربه حرام، و ملبسه حرام، و غذی بالحرام، فأنی یتجاب لذلك»^(۱).

ترجمه: «دستانش را به سوی آسمان دراز می‌کند و زاری می‌کند که ای پروردگار من... ای خدای من، در حالیکه غذای حرام خورده، حرام نوشیده، حرام پوشیده و از حرام سیر شده، پس چگونه دعایش پذیرفته شود؟!»

فضیلت‌های ماه رمضان و روزه‌اش

^۱- به روایت مسلم.

- ۱- از برتری‌هایی که ماه رمضان بر ماه‌های دیگر دارد این است که در آن قرآن کتاب جاویدان الهی همراه با دلایل روشنش بر بشریت نازل شده است.
- ۲- در آن شیطان‌ها زندانی می‌شوند و درهای آتش بسته و درهای بهشت باز می‌گردد، همانطور که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إذا جاء رمضان فتحت أبواب الجنة، وغلقت أبواب النيران، وصدت الشياطين».
- ۳- شب قدر در این ماه است و آن نیز از هزار ماه بهتر است. کسی که از آن محروم گردد تو گویی که از همه ماه مبارک محروم مانده است.
- ۴- روزه دار در این ماه با روزه‌اش غفران و آمرزش الهی را بدست می‌آورد همانطور که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من صام رمضان إيماناً واحتساباً غفرله ما تقدم من ذنبه». ترجمه: کسی که رمضان را با ایمان خالص روزه گرفت و اجر و پاداشش را فقط از خداوند خواست، خداوند از گناهان پیشین او در می‌گذرد.
- ۵- با زنده داشتن شب‌ها در طاعت و عبادت پروردگارش به آمرزش و مغفرت او دست می‌یابد، همانطور که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «کسی که شب رمضان را با ایمان خالص بر پا داشت و طلب اجر و پاداشش را فقط از خداوند خواست گناهان پیشینش بخشیده می‌شوند». و همچنین در آخر شب‌های رمضان گناهان روزه دار بخشیده می‌شود.
- ۶- رسول الله ﷺ خیر دادند که خداوند متعال آزاد ورها می‌کند بندگان گنه کارش را از آتش در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان.
- ۷- برای روزه دار هنگام افطارش دعایی ست که رد نمی‌شود.
- ۸- فرشتگان برای روزه دار تا وقتی که افطار می‌کنند استغفار می‌کنند.
- ۹- هر روز بهشتش را زینت می‌دهد و می‌فرماید: «رنج و سختی‌ها و چیزهای آزار دهنده دور می‌شوند از بندگان صالح من و بزودی به سوی من می‌آیند».
- ۱۰- پیامبر ﷺ می‌فرماید: «عمره در رمضان مساوی با ثواب حج است».

- ۱۱- بوی دهن روزه دار در نزد خداوند متعال خوشبوتر است از بوی مسک.
- ۱۲- خداوند جهنمیان را در تمام شب‌های رمضان از آتش جهنم می‌رهاند.
- ۱۳- شیاطین زندانی می‌شوند.
- ۱۴- در ماه مبارک رمضان درهای بهشت باز می‌شوند و درهای آتش دردناک دوزخ بسته می‌شوند.

حکم و فوائد روزه ماه مبارک رمضان

حکم:

تعریف روزه: خودداری کردن از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها از طلوع فجر تا غروب خورشید.

و این فرض ثابتی است در قرآن کریم و سخن‌های پیامبر اکرم ﷺ اگر کسی منکر چنین فرضی شود او مرتد کافری است که باید توبه کرده اقرار به فرض بودنش نماید و الا کشتنش واجب است.

باید روزه رمضان با دیدن حلال ماه یا با اتمام ۳۰ روز کامل ماه شعبان صورت گیرد و در اثبات دیدن ماه شخصی عادل و راستگو کافی است.

ابن قیم رحمه الله می‌فرماید: روش پیامبر اکرم ﷺ بر این بود که ماه مبارک رمضان را با دیدن هلال آن ماه شروع می‌فرمودند و یا با به اثبات رسیدن آن از شهادت انسانی درست و با ایمان. که یکبار با شهادت فرزند عمر و بار دیگر با شهادت و گواهی مردی روستایی که به او اعتماد داشتند روزه گرفتند. و اگر چنانچه هلال رمضان را نمی‌دیدند و کسی هم گواهی و شهادت به دیدن آن نمی‌داد و یا هوا ابری بود در اینصورت امر می‌فرمودند که سی روز ماه شعبان را تمام کنند سپس روزه ماه مبارک رمضان را شروع کنند.

از شیخ ابن باز سوال شد: در بعضی کشورهای اسلامی مردم به تقویم‌ها اکتفا می‌کنند بدون اینکه هلال ماه را ببینند پس حکم این چیست؟

جواب دادند: رسول الله ﷺ امر کردند که مسلمانان با دیدن هلال ماه روزه بگیرند و با دیدنش افطار کنند، و اگر هوا ابری بود بر آنها کامل کردن ۳۰ روز ماه شعبان واجب می شود.

احادیث زیادی در این مورد آمده است که همه شان دلالت می کند بر اینکه دیدن ماه و یا کامل کردن تعداد روزهای ماه شعبان در هنگامی که ماه دیده نشود واجب است و بر هر شخصی نمی توان اعتماد کرد مگر اینکه انسانی عادل و راستگو و مورد اعتماد مردم باشد.

فوائد روزه

۱- روزه راهی است به سوی تقوا و پرهیزکاری همانطور که خداوند متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳]. ترجمه: «ای اهل ایمان بر شما هم روزه داشتن فرض گردید چنانکه بر ملت های پیشین و امت های گذشته فرض شده بود و این دستور برای آنست که شما پرهیزکار و با تقوا شوید».

۲- روزه باعث پاک کردن از تمام چیزهای باطل می شود رسول الله ﷺ می فرماید: «من لم يدع قول الزور والعمل به والجهل، فليس لله حاجة في أن يدع طعامه وشرابه»^(۲).

ترجمه: «کسی که از دروغ و زورگویی و کارهای ناشایست و عصبانیت و آزار و اذیت مردم دست نمی کشد خداوند را به پرهیز و دوری از خورد و نوشش هیچ ضرورت و حاجتی نیست».

۳- و از فوائدش اینست که شهوت را ضعیف می کند و صبر را زیاد می کند و اراده را قوی می کند، همانطور که رسول الله ﷺ جوانانی را که توانایی ازدواج ندارند را امر

^۲- به روایت بخاری.

کردند که روزه بگیرند.

- ۴- از فوائد دیگرش اینست که مردم را به اتحاد و دوستی، عدل و عدالت، برابری و ایثار، فداکاری، بذل و بخشش و کمک کردن به فقرا و مساکین عادت می‌دهد.
- ۵- از فوائدهای دیگرش: صحت و سلامتی انسان و روده‌ها و اصلاح کردن معده و پاک کردن بدن از چیزهای که باعث ضرر برای بدن انسان می‌شود است.
- ۶- واز دیگر فوائدش این است که قلب را مشغول به چیزهایی که او را به سعادت و خوشبختی سوق می‌دهد می‌کند و از زشتی‌ها و گناهان خالی می‌کند و به ذکر و عبادت و تلاوت قرآنش می‌خواند.
- ۷- واز فوائد دیگر آن است که مجرای خون را تنگ می‌کند (مجرای که از آن شیطان وارد بدن انسان می‌شود) و نفس انسان را آرامش و تسکین می‌دهد و ذهنش را راحت می‌کند و وسواس و خیال را از او دور می‌کند و فقط او را متوجه پروردگارش می‌سازد.

راه و روش پیامبر ﷺ در رمضان

از امام ابن قیم است که می‌فرمایند: از سلوک پیامبر ﷺ این بود که در ماه رمضان زیاد عبادت می‌کردند و جبرئیل علیه السلام به ایشان درس می‌دادند.

وایشان در ماه رمضان بهترین مردمان بودند در صدقه دادن، احسان، نیکی کردن به مردم، تلاوت قرآن و نماز از بهترین مردمان بودند، و ذکر و اعتکاف و تمام چیزهای که اختصاص به ماه مبارک رمضان داشت را زیاد انجام می‌دادند و کارها و عبادت‌های بسیار زیادی را به این ماه اختصاص می‌دادند که در ماه‌های دیگر انجام نمی‌دادند.

چه چیز برای روزه دار شایسته و چه چیز واجب است؟

سوال: چه چیز شایسته روزه دار است و چه چیز واجب است برایش که باید آن را انجام دهد؟

جواب: برای روزه دار شایسته است که بیفزاید بر طاعات و عباداتش و از خود همه کارهای حرام را دور کند، و نمازهای پنجگانه را در وقتشان با جماعت بخواند و دروغ و غیبت و گول زدن و معاملات ربا (حرام) و هر کار و گفته‌ای که انجام دادنش حرام است را ترک کند. همانطور که پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «من لم يدع قول الزور والعمل به والجهل فليس لله حاجة في أن يدع طعامه وشرابه».

ترجمه: «کسی که از دروغ و زورگویی و کارهای ناشایست و عصبانیت و آزار و اذیت مردم دست نمی‌کشد خداوند را به پرهیز و دوری از خوردن و نوشش هیچ ضرورت و حاجتی نیست».

روزه و تربیت نفس

کسی که نزدیکی به سوی خداوند را می‌خواهد باید از خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها و از شهوات دوری کند.

فوائد:

۱- شکسته نفسی؛ سیر بودن شکم انسان و مباشرت با زنان او را از خداوند غافل می‌کند.

۲- خالی کردن قلب از مشغولیت‌ها و فکرهای بیهوده؛

انجام دادن خواهش‌های نفسانی باعث سنگدلی می‌شود و بین بنده و پروردگارش جدای می‌افکند و این باعث ضعف ایمان و سوق دادن غفلت به سوی او می‌گردد.

خالی بودن شکم از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها قلب را نورانی، انسان را فروتن، غرور او را درهم می‌شکند و او را به سوی ذکر و یاد خدا رهنمون می‌سازد.

روزه مجاری خون را که مجراهای ورود شیطان هستند در جسم انسان تنگ می‌کند و باعث تسکین و آرامش خاطر در انسان می‌شود و وسوسه‌های شیطانی را از او دور می‌سازد و همچنین شهوت غضب را در چشمش از بین می‌برد و برای همین رسول الله ﷺ

روزه را سپری برای شکستن شهوت نفسانی قرار داده‌اند.

پس ای انسان بدان که:

مگر با ترک کردن شهوت‌های نفسانی و چیزهای که خداوند در همه حال حرام دانسته مانند دروغ، ظلم، تجاوزکردن بر مردم در خون‌ها، مال‌ها و ناموس‌هایشان نمی‌توانی به خداوند نزدیک شوی.

چرا که در این مورد پیامبر ﷺ می‌فرماید: «کسی که از دروغ و زورگویی و کارهای ناشایست و عصبانیت و آزار و اذیت مردم دست نمی‌کشد خداوند را به پرهیز و دوری از خورد و نوش هیچ ضرورت و حاجتی نیست».

جابر علیه السلام گفت: اگر روزه گرفتی نه تنها دهن‌ت بلکه همراه آن گوش، چشم و زبانت را از دروغ و حرام‌ها مبرا ساز، و از همسایه آزاری نیز دوری کن و سعی کن که وقار و متانت داشته باشی در روزی که روزهای، و بین روزی که روزه ای و روزی که روزه نیستی فرق مگذار.

بدرستی که نزدیکی به سوی خداوند متعال با ترک کردن کارهای مباح حاصل نمی‌شود مگر بعد از دوری و ترک کردن حرام‌ها.

پس کسی که مرتکب کار حرامی شد و بعد از آن خواست با ترک کردن کارهای مباح به خداوند نزدیک شود مثل کسی که فرائض را ترک می‌کند و می‌خواهد با نوافل به خداوند نزدیکی جوید.

البته چنین کسی روزه‌اش از نظر جمهور علماء جائز است و به اینکه دوباره روزه بگیرد، امر نمی‌شود.

درمسند امام احمد است که:

روزی دو زن در زمان پیامبر اکرم ﷺ روزه گرفتند و نزدیک بود که از تشنگی بمیرند. بمردم این موضوع را به پیامبر ﷺ رساندند اما ایشان اهتمام ندادند. سپس دوباره به اطلاع ایشان رساندند این بار پیامبر ﷺ آن‌ها را خواست و به آن‌ها گفت که استفراغ کنند آن‌ها

چرک و خون و گوشت‌های جویده شده را استفراغ کردند. رسول الله ﷺ فرمودند: این دو زن از چیزهای که خداوند حلال کرده بود روزه گرفتند و اما با چیزی که خداوند برایشان حرام کرده بود افطار کردند. (باغیبت کردن خود را از پاداش روزه محروم ساختند روزه شان را باطل کردند).

آداب روزه و سنت‌هایش

- در روزه چیزهای هست که واجب‌اند و چیزهای است که مستحب‌اند:
- ۱- حرص؛ حرص و طمع در خوردن سحری و تأخیر کردن در آن تا جزء آخر از شب، تا نزدیکی طلوع فجر، چرا که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «سحری بخورید چرا که در سحری برکت است».
 - ۲- تعجیل؛ عجله کردن در افطار هنگامیکه خورشید غروب می‌کند همانطور که پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «تا روزی که مردم در خوردن افطار عجله کرده، افطار را به تأخیر نیندازند در آن‌ها خیر و نیکی‌هایی بسیاری است».
 - ۳- دوری کردن از دشنام دادن و سخن‌های دروغ و ناسزا و ناروا و همه کارهای حرام دیگر همانطور که پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «اگر روزی کسی از شما روزه بود دشنام ندهد حتی اگر کسی به او حرف ناروای گفت یا با او درگیر شد بگوید من شخص روزه داری هستم».
 - ۴- با خرما افطار کند اگر نیافت با آب افطارش را شروع کند.
 - ۵- وقتی که روزه است به چیزی که دوست دارد دعا کند چرا که دعای روزه دار رد نمی‌شود.
 - ۶- پر خوری نکردن در افطار و سحر و اکتفا کردن به اندازه‌ای که بدن احتیاج دارد.
 - ۷- صدقه زیاد دادن و به بینوایان غذا دادن چرا که رسول الله ﷺ در رمضان سخاوتمندترین و بخشنده‌ترین مرد در خوبی بودند.

- ۸- تلاوت قرآن و تحقیق و پژوهش همانطور که جبرئیل قرآن را در ماه رمضان به پیامبر ﷺ درس می دادند.
- ۹- خواندن نماز تراویح در مسجدها و به اتمام رساندن نماز همراه امام.
- ۱۰- فزودن بر عبادت در ۱۰ روز آخر ماه مبارک رمضان (شبهای لیلة القدر).
- ۱۱- اعتکاف در ۱۰ روز آخر از رمضان.

[چند پرسش و پاسخ مهم در مورد روزه و رمضان]

خوابیدن ساعت‌های طولانی از روز

س: اگر شخصی تمام روز را بخوابد و فقط برای نمازهای فرض بیدار شود حکمش روزه‌اش چیست؟

ج: این سوال در برگیرنده دو صورت است؛ در حالت اول شخص در طول روز می‌خوابد و بیدار نمی‌شود و این جنایتی است بس بزرگ که بر خود و روا داشته نزد خداوند عزوجل به تأخیر انداختن نمازها از وقتشان محاسبه می‌شود، پس باید به سوی خداوند عزوجل توبه کند و نمازش را در سر وقتش همانطور که به او امر شده است ادا کند.

اما صورت دوم؛ و آن در حالی است که بلند می‌شود و نمازهای فرض را در وقت‌هایشان بهمراه جماعت بجای می‌آورد و این گناهی ندارد ولی خیلی از کارهای خوب را از دست می‌دهد چرا که روزه دار باید خود را در روزه‌اش با نماز خواندن، ذکر گفتن و دعا کردن و قرائت قرآن مشغول کند تا در روزه‌اش عبادت‌های زیادی را جمع و ذخیره کند.

ترک کردن نماز روزه دار!

س: حکم کسی که روزه می‌گیرد ولی نمازش را ترک می‌کند چیست؟

ج: کسی که نمازش را از روی عمد ترک کند کافر و مرتد می‌شود و آن کفر بزرگی است و روزه‌اش همراه با بقیه عباداتی که انجام می‌دهد درست نیست تا اینکه به سوی خداوند عزوجل توبه کند همانطور که در سوره انعام آیه ۸۸ می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۸۸].

ترجمه: «و اگر به خدا شرک آوردند اعمال آن‌ها را نابود می‌سازد».

بدون عذر روزه نگرفتن

س: حکم کسی که در رمضان بدون عذر روزه نمی‌گیرد و منکر واجب بودنش هم نیست چیست؟

ج: کسی که در رمضان از روی عمد و بدون عذر شرعی روزه نگیرد یکی از گناهان کبیره را انجام داده است و به آن کافر نیست البته همراه با آوردن قضایش باید به سوی خداوند متعال توبه کند و دلیل‌های زیاد است بر اینکه ترک کردن روزه در صورتیکه منکر واجب بودنش نشده باشد کفر نیست.

بنده رمضان!

س: حکم کسی که روزه می‌گیرد و نماز را فقط در رمضان می‌خواند اما وقتی که ماه رمضان به پایان می‌رسد نماز و روزه‌اش را ترک می‌کند چیست؟

ج: نماز رکنی است از ارکان اسلام، بلکه بزرگترین رکن‌هاست، بعد از شهادتین «أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً رسول الله» و از فرض‌های عین است و کسی که و منکر واجب بودن آن شود و آن را ترک کند و همچنین اگر ترکش از روی تنبلی کند، کافر محسوب می‌شود. اما کسانی که فقط در ماه رمضان روزه می‌گیرند و نماز می‌خوانند در واقعه خودشان را گول می‌زنند در حالیکه گمان می‌برند که خداوند را گول می‌زنند!!! و برای چنین کسانی عذاب بزرگی است چرا که آن‌ها خدا را فقط در رمضان می‌شناسند.

خوردن در وقت اذان صبح

س: حکم شرعی کسی که در حالیکه که اذان صبح را می‌شنود خوردن سحری را ادامه می‌دهد چیست؟

ج: بر مؤمن واجب است که هنگامیکه طلوع صبح برایش روشن و آشکار شد خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را ترک کند چرا که خداوند در سوره بقره آیه ۱۷۸ می‌فرماید:

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾
[البقرة: ۱۸۷].

ترجمه: «بخورید و بیاشامید تا آنگاه که خط سفیدی روز از سیاهی شب در سپیده دم پدیدار گردد، پس از آن روزه را شب».

اگر اذان صبح را شنید و فهمید که آن اذان صبح است واجب است که خود داری کند ولی اگر مؤذن قبل از طلوع صبح اذان داد واجب نیست که خوداری کند و خوردن و نوشیدن تا اینکه فجر آشکار و روشن شود مجاز است برایش ولی اگر نمی‌دانست که مؤذن قبل از فجر اذان داده است یا بعد از فجر بهتر است که از خوردن و آشامیدن با شنیدن صدای اذان دست کشید و اگر هنگام اذان چیزی خورد و یا نوشید اشکالی ندارد برای اینکه وقت طلوع فجر را نمی‌داند.

بلعیدن آب دهن

س: حکم بلعیدن آب دهن برای روزه دار چیست؟

ج: آب دهن روزه را ضرر نمی‌رساند پس بلعیدن آن اشکالی ندارد و اگر هم تف کرد اشکالی ندارد، ولی اگر آب دهن غلیظ شد (بلغم) بیرون انداختن و نبلعیدنش واجب است.

مسواک در روز

س: کسی که از استفاده کردن مسواک در روزهای رمضان خود داری می‌کند.

ج: در مورد خودداری کردن از مسواک در روزه رمضان، یا غیر از آن، در روزهای که

انسان روزه می‌گیرد دلیل خاصی وجود ندارد. و مسواک کردن سنتی است که روزه را باطل نمی‌کند مگر در صورتی که طعم و مزه دهد و یا اثری از آن باقی بماند، البته نباید شخص روزه دار آن را ببلعد، و اگر خون از لثه‌اش با مسواک زدن خارج شد باید که آن را ببلعد. و اگر از مسواک زدن خودداری کرد به روزه‌اش هیچ ضرری نمی‌رساند.

خمیر دندان و قطره

س: حکم استفاده کردن خمیر دندان، و قطره گوش، چشم، بینی برای روزه دار چیست؟

ج: تمییز کردن دندان‌ها با خمیر دندان روزه دار را باطل نمی‌کند و البته باید که از رفتن چیزی به حلقش، دوری کند ولی اگر بدون عمد به حلقش رفت روزه‌اش باطل نمی‌شود.

وارد شدن آب به حلق از روی عمد

س: اگر روزه دار مزه مزه کرد یا استنشاق کرد و آب داخل حلقش بدون قصد رفت آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟

ج: اگر روزه دار مزه مزه کرد یا استنشاق کرد و آب داخل حلقش بدون عمد رفت روزه‌اش باطل نمی‌شود برای اینکه این کار از روی عمد نبوده، خداوند متعال در سوره احزاب آیه ۵ می‌فرماید:

﴿وَلَكِنَّ مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ﴾ [الأحزاب: ۵].

ترجمه: «اما آن کار زشتی که به عمد و با اراده قلبی می‌کنید بر آن گناه مواخذه می‌شوید.»

جنب - استفراغ - خون

س: روزی روزه بودم و بعد از اینکه نماز خواندم در مسجد خوابیدم وقتی بلند

شدم دیدم که من جنب شده‌ام آیا روزه‌ام با جنب شدن باطل می‌شود؟ و یکباری دیگر سنگی به سرم خورد و از آن خون آمد آیا باید بخاطر آن خون افطار کنم؟ و آیا استفراغ روزه را فاسد می‌کند؟

ج: جنب شدن روزه را فاسد نمی‌کند برای اینکه به اختیار انسان نیست ولی باید که غسل جنابت بجای آورد.

و سنگی که به سرت برخورد کرد و خون از آن جاری شد روزه را باطل نمی‌کند.

و هنگامیکه بدون اختیارت استفراغ کردی روزه ات باطل نمی‌شود.

همانطور که رسول خدا ﷺ فرمودند: «من ذرعة القيء فلا قضاء عليه، ومن أستقأ فعليه القضاء».

کسی که خود بخود استفراغ کرد بجای آوردن قضاء روزه بر او واجب نیست ولی اگر کسی از روی عمد استفراغ کرد باید قضایش را بجای آورد.

س: آیا هنگامیکه منی به دلیلی از بدن خارج شد بر روزه دار باید که افطار کند یا نه؟

ج: در صحیحترین قول علما است که روزه دار با خارج شدن منی می‌تواند افطار نکند.

استفاده از بوی خوش

س: حکم استعمال کردن روزه دار از عطرها و خوشبو در روزه رمضان چیست؟

ج: استفاده کردن از عطر و خوشبوئی در روزهای ماه مبارک رمضان اشکالی ندارد، مگر عطرها و خوشبوئی‌هایی چون بخور که گاز آن به معده می‌رسد.

از جمله چیزهایی که علما استعمالشان را در روز رمضان جایز دانسته‌اند

- اکسیژن دادن به بیمارانی که دارای مرض ریه هستند.
- استفاده کردن سرمه در شب بهتر است برای روزه دار.
- واکسنی که برای تغذیه نیست و در رگها و عضله‌ها استفاده می‌شود و همچنین

- آزمایش خون گرفتن.
- استفاده کردن از سرم غذائی در زمان حاجت و نیاز بخاطر عدم شباهتش به خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها.
- چشیدن غذا در زمانی که لازم شد برای اینکه فقط بر روی زبان قرار می‌گیرد و فقط برای تشخیص دادن شیرینی و یا مزه‌اش است البته این در صورتی است که نباید چیزی از آن را بلعید.
- خوردن و آشامیدنی که از روی فراموشی باشد روزه را باطل نمی‌کند ولی اگر بیادش آمد باید چیزی را که در دهنش است بیرون کند.
- بوسیدن زن در هنگام روزه اشکال ندارد به شرط اینکه باعث برانگیختن شهوت و ریختن منی نشود.

راه و روش پیامبر در روزه

ابن قیم می‌گوید: پیامبر ﷺ قبل از اینکه نماز بخوانند افطار می‌کردند و از راه و روششان این بود که وقتی که از روی فراموشی چیزی را می‌خوردند و یا می‌نوشیدند قضایش را بجای نمی‌آوردند.

و مسواک می‌زدند در حالی که روزه دار بودند. همچنین مزمه و استنشاق می‌کردند در حالی که روزه دار بودند البته روزه دار را از تکرار آن منع می‌کردند.

تشویق کردن بچه‌ها به روزه در رمضان

س: آیا واجب است که کودک روزه بگیرد و اگر در طول روز به سن بلوغ رسید روزه‌اش باطل می‌شود؟

ج: هنگامی که کودکان چه پسر و چه دختر به سن ۷ سالگی رسیدند باید به آن‌ها امر شود که روزه بگیرند تا عادت کنند و باید والدینشان آنان را به روزه و نماز امر کنند و اگر در طول روز به سن بلوغ برسند روزه شان قبول می‌شود مثلاً اگر پسری ۱۵ سالش را

تمام کرد و در وسط روز احساس کرد به سن بلوغ رسیده در حالی که روزه دار بود روزه‌اش قبول است البته در اول روز نفل حساب می‌شود و در آخر روز فرض، یعنی بعد از اینکه به سن بلوغ رسید فرض حساب می‌شود.

چیزهای که روزه را باطل می‌کنند

فاسد کننده‌های روزه ۷ تا هستند:

- ۱- جماع: پس وقتی روزه روزه دار با جماع فاسد می‌شود چه در یکی از روزهای رمضان باشد، یا در روزه ای که بر او واجب است و باید که کفاره‌اش را انجام دهد و اگر نتوانست باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد. باید ۶۰ مسکین را غذا دهد.
- ۲- ریختن منی با مباشرت و یا بوسیدن و مانند این‌ها.
- ۳- خوردن و آشامیدن از راه دهان و بینی.
- ۴- چیزیکه به معنی خوردن و آشامیدن است مثل سرم غذایی.
- ۵- خارج شدن خون بوسیله سرم.
- ۶- استفراغ از روی عمد.
- ۷- خارج شدن خون حیض و نفاس.

کسانی که خوردن روزه در رمضان برایشان مباح است

- مریضی ای روزه داشتن برایش ضرر دارد.
- شخص مسافر، اگر روزه‌اش را نگیرد برایش بهتر است البته پس، از تمام شدن ماه مبارک رمضان بر او واجب است که قضایش را بجا آورد و اگر روزه گرفت برایش پاداشی است در نزد خداوند همانطور که در سوره بقره آیه ۱۸۴ می‌فرمایند:

﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ [البقرة: ۱۸۴].

ترجمه: «هر کسی از شما مریض باشد یا مسافر به شماره آن از روزهای غیر ماه

رمضان روزه بگیرد».

- کسانی که حیض‌اند و یا نفاس روزه شان را بخورند و قضایش را بجای آورند و اگر روزه گرفتند برایشان جزا و پاداشی نیست و بایستی قضا بجای آورند.
- زن حامله و یا شیرده اگر ترسید که به بچه‌اش ضرری وارد شود روزه‌اش را بخورد و قضایش را بجای آورد.
- کسی که بخاطر پیری یا مریضی نمی‌تواند روزه بگیرد و روزه باعث عدم شفا و یا طولانی شدن بیماریش می‌شود روزه‌اش را بخورد و باید بجای هر روز مسکینی را غذا بدهد.

نظریه برخی از علما و فقها بر این قرار است که:

- ۱- پیرمردی که به درجه ناتوانی رسیده باشد بر او نه روزه و نه قضایش و نه كفاره‌اش هیچ کدام بر او واجب نیست.
- ۲- کسی که احتیاج دارد که در مواقع خیلی ضروری روزه‌اش را بخورد مثلاً برای نجات دادن مسلمانی از غرق شدن یا سوختن و... چنانکه مگر با خوردن روزه‌اش نمی‌تواند کمک کند.
- ۳- کسی که تشنگی و گرسنگی بر او غلبه کرد تا جایی که ترسید هلاک شود.
- ۴- کسی که از ترس جان‌ش مجبور شد که روزه‌اش را بخورد اشکالی ندارد ولی بعداً قضایش را بجای آورد.

حکم روزه برای کسی که مریض است و امید به شفایش نیست

س: حکم مریضی که به بیماری سل دچار شده و روزه گرفتن در ماه رمضان برایش مشکل است و می‌داند که اگر روزه بگیرد امیدی به شفایش نخواهد بود چیست؟

ج: اگر این مریض نیرویش به اندازه‌ای نبود که روزه بگیرد و با روزه گرفتن امیدی به

شفایش نبود بر او واجب است که بجای هر روزی که روزه نگرفته مسکینی را غذا بدهد یعنی نصف صاع خرما یا برنج و مانند این‌ها یا از چیزی که خانواده‌اش استفاده می‌کند بدهد. مانند پیرمردان بزرگ و ناتوان و سالخوردگانی که روزه گرفتن برایشان مشکل است.

حکم روزه خوردن کارگر

س: آیا جایز است خوردن روزه برای کارگری که زیاد کار می‌کند؟

ج: برای کسی که به سن تکلیف رسیده است جایز نیست که در رمضان به خاطر این که کارگر است روزه نگیرد ولی اگر زیاد برایش مشکل بود و مجبور بود که افطار کند به همان اندازه که ناتوانی‌اش برطرف گردد افطار کند سپس روزه‌اش را نگه دارد تا غروب و با مردم افطار کند سپس قضایش را بجای آورد.

زنی که بلافاصله بعد از فجر پاک شود

س: اگر زنی بلافاصله بعد از فجر پاک شود آیا روزه‌اش را نگه دارد و یا روزه بگیرد. و آیا این روزبرایش را حساب می‌شود یا باید که قضای آن روز را بجای آورد؟

ج: اگر خون در طلوع فجر یا کمی قبل از آن قطع شد روزه‌اش صحیح است و ادای فرض شده است حتی اگر تا پس از طلوع خورشید غسل نکرده بود، اما اگر خونش بعد از روشن شدن صبح قطع شد در آن روز روزه‌اش را بگیرد، و باید قضایش را بعد از رمضان بجا آورد و فرضش ادا نشده. البته خداوند داناتر و آگاهتر است.

خوردن قرص‌هایی که برای منع حیض در رمضان استفاده می‌شوند

س: حکم خوردن قرص‌های که مانع حیض برای زنان می‌شود؟

ج: خداوند عزوجل حیض را برای دختران آدم قرار داده است و برای این دوره ماهانه حکمی را ایجاد کرده است پس اگر زنی حیض شود از روزه و نماز خود داری کند و اگر پاک شد و اجباتش از جمله روزه و نمازش را ادامه دهد و اگر رمضان تمام شد قضای

روزهای که از دست داده است رابجای آورد.
 بطور واضح تر نباید با خوردن قرص و استفاده از دارو فطرت خلقت را بر هم زد،
 بخصوص که این کار ضررهایی را برای زن در بردارد.

حکم تأخیر قضای رمضان

س: آیا تأخیر انداختن قضای روزه رمضان تا فصل زمستان جایز است؟
 ج: باید فوراً قضای روزه رمضان بجای آورده شود البته، اگر عذری نداشته باشد، مانند
 حوادثی ناگهانی یا مریضی یا سفر و یا موت. و تأخیر کردن در آن بدون سبب جایز نیست
 ولی اگر کسی آن را به تأخیر انداخت تا در زمستان که روزها کوتاه است روزه بگیرد
 اشکالی ندارد و روزه از او ساقط می شود. اما باید توجه داشت که فطر از دست دادن این
 فرصت با بیماری و شاید مرگ وجود دارد.

نماز تراویح

قیام شب در رمضان قیامی است که با جماعت خوانده می شود و وقتش بعد از عشاء
 شروع شده تا طلوع فجر ادامه دارد، و رسول الله ﷺ به نماز در شب رمضان رغبت زیادی
 داشتند، همانطور که می فرمایند: «من قام رمضان إيماناً وإحتساباً غفر له ما تقدم من
 ذنبه».

«کسی که قیام کرد در رمضان با ایمان خالص و امید پاداش از پروردگارش گناهان
 پیشینش بخشیده می شوند».

در مورد تعداد رکعت های نماز تراویح اختلافاتی در بین مردم بروز کرده که متأسفانه
 جهل و تعصب برخی را بر آن داشته که در مسجد که خانه خداست روی هم بپرند و یا

بر روی یکدیگر صدایشان را بلند کنند.

باید دانست که اساساً نماز تراویح سنت است و ترک آن گناه نیست. ترک آن باعث محرومیت از اجر و پاداش طاعت و عبادت قیام اللیل همراه با محرومیت از ثواب و پاداش عمل کردن به سنت پیامبر اکرم ﷺ است. و اتحاد مسلمانان واجب و فرض است پس نباید ما بخاطر بجا آوردن سنتی فرض و واجب الهی را زیر پا نهیم.

- روایت‌هایی که به پیامبر اکرم ﷺ می‌رسند بر این اشاره دارند که پیامبر خدا ﷺ بر قیام الیل تأکید فراوان می‌کردند و همچنین اشاره‌های صریحی است که ایشان هشت رکعت نماز تراویح همراه با سه رکعت نماز وتر می‌گذارند. یعنی در مجموع ۱۱ رکعت.

- در روایات صحیحیه نیز آمده که مردم در زمان حضرت عمر و عثمان و علی ؓ بیست (۲۰) رکعت تراویح بجای می‌گذارند که بیشترین فقهاء از جمله حنفی‌ها و حنبلی‌ها و شافعی‌ها و داود ظاهری و سفیان ثوری و ابن مبارک بر این رأیند.

- امام مالک عدد تراویح را به ۳۶ رکعت بدون وتر می‌رساند.

- امام ابن حبان می‌گویند که تراویح اول ۱۱ رکعت با قرائتی طولانی بود سپس چون مردم احساس خستگی می‌کردند آن را به ۲۰ رکعت با قرائت متوسط رساندند سپس آن را به ۳۶ رکعت با قرائت کوتاه رساندند تا برایشان راحت باشد.

- با توجه به روایت‌های صحیحی که بدان دست یافتیم در می‌یابیم که تراویح فرض نبوده و انسان در ادای آن آزادانه می‌تواند اجتهاد کند و ما در جمع بین حدیث‌های وارده به این نتیجه رسیده‌ایم که:

اولاً: سنت ادای تراویح ۸ رکعت است. پس نباید بر کسی که ۸ رکعت ادا می‌کند

خرده گرفت یا او را تحقیر کرد.

ثانیاً: در صورت ادای ۲۰ و یا ۳۶ رکعت ۸ رکعت سنت مؤکده بوده و رکعت‌های

بعدی از جمله نوافل است که نمی‌توان ادای آن را بدعت شمرد و بر کسانی که آن را

بصورت فردی و یا جماعت ادا می‌کنند خرده گرفت. چرا که صحابه پیامبر اکرم ﷺ آن را ادا کرده‌اند.

رمضان ماه عبادت و طاعت است و می‌بایستی که دست‌ها را بالا زد و همت‌ها را بکار گرفت و تا در توان است نهایت بندگی و برده‌گی را در دربار الهی چه با انجام فرایض و واجبات و یا سنت‌ها و چه با نوافل ثابت نمود. و اختلاف انگیزی و مشاجره در مساجد بدعت و گناه است، نه نمازگزاردن و طاعت پروردگارا! و می‌بایستی مردم را بحال خود رها کرد تا هر چه می‌توانند و بهر صورتی که قناعت دارند و در روایات هم ثابت است پروردگارشان را عبادت کنند نه اینکه مطابق فکر و اندیشه و یا فهم من و یا شما باشند. در اینجا لازم می‌بینیم که برادران و خواهران خویش را به فراگیری احکام دین مبین اسلام دعوت دهیم چه که همه اختلافات و مشاجرات ریشه در جهل و نادانی و تعصب دارد.

بیشتر امامان در هنگام نماز تراویح به نماز گزاران چندان توجهی نمی‌کنند و نماز را طولانی می‌خوانند و این کار اشتباهی است چرا که امام فقط برای خودش نماز نمی‌خواند بلکه هم برای خودش و هم برای دیگران می‌خواند.

لازم است که برنماز تراویح احترام زیادی گذاشته شود و در شب‌های رمضان وقت خود را به اینکه از مسجدی به مسجد دیگری برود ضایع نکرد و اگر ادای نماز با امام کرد سعی کند که تا آخرش را بجا آورد.

همچنین نماز تراویح با حضور زنان در مسجد اشکالی ندارد البته به شرطی که از فتنه و آشوب در امان باشند و زنان با حجاب و بدون تبرج و خود آرائی و بوی خوش به مسجد بروند.

فتوهای که برای سحر و تراویح داده شده است

حکم نماز تراویح

س: آیا نماز تراویح فقط سنت است یا سنت موکده؟

ج: به همان صورتی که در بالا بدان اشاره شد سنت موکده است همانطور که رسول الله ﷺ می‌فرمایند: کسی که قیام کرد در رمضان با ایمان خالص و امید پاداش از پروردگارش گناهانش بخشیده می‌شوند.

قرائت قرآن از روی قرآن در تراویح

س: حکم قرائت از روی قرآن در نماز تراویح چیست؟

ج: خواندن از روی قرآن در قیام رمضان یا گوش دادن و نگاه کردن مقتدیان از روی قرآن اشکالی ندارد و این در کتاب و سنت دلیل شرعی دارد که دلالت برجایز بودن خواندن قرآن در نمازها است و از ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها روایتی است که غلامی در حالیکه از روی قرآن می‌خواند امامت ایشان می‌داد. (به موطا امام مالک مراجعه شود).

س: حکم دعای قنوت در وتر و آیا ترک کردنش جایز است؟

ج: در وتر «قنوت» سنت است و اگر شخصی آن را در بعضی وقت‌ها ترک کرد اشکالی ندارد. (در ضمیمه دعاهایی آورده‌ایم که می‌توانی در قنوت از آن استفاده کنی).

رفتن از یک مسجد به مسجد دیگر

س: آیا رفتن در هر شب از یک مسجد به مسجد دیگر بخاطر خوبی صدای امام

جایز است؟

ج: در این مسئله نمی‌توان حکم ثابت داد اما باید دانست که بهتر است انسان همیشه به آن مسجد و پشت آن امامی نماز گذارد که قلبش بیشتر و احساس اطمینان و آرامش می‌کند. البته چون در بیشتر مسجدها امام‌ها سعی در ختم قرآن در تراویح دارند بهتر است انسان در یک مسجد بماند تا بتواند قرآن را بطور کامل از امام در نماز تراویح گوش گرفته از احکام آن بیش از بیش استفاده کند چه که پشمه جوشان قرآن خشک نشدنی و

بی انتهاست.

بهتر است که تابع امام باشیم

س: در مورد کسی که با امام ۱۰ رکعت نماز می خواند و بعد منصرف می شود نظر شما چیست؟

ج: سنت است که نماز با امام تمام شود حتی اگر ۲۳ رکعت باشد همانطور که رسول الله ﷺ می فرمایند کسی که نماز را از اول تا آخر با امام بر پا کرد خداوند برایش اجر و پاداش قیام اللیل رامی نویسد. حضرت عمر رضی الله عنه و صحابه ۲۳ رکعت نماز گزارند پس در آن هیچ عیب و نقصی و خللی نیست چرا که آن از سنت خلفای راشدین است.

سحری و قیام اللیل:

س: اگر کسی در رمضان قبل از سحر با نیت سحری تا صبح خوابید آیا روزه ای که می گیرد صحیح است؟

ج: روزه اش صحیح است چونکه سحری شرط صحیح بودن روزه نیست البته آن مستحب است چنانچه که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «سحری کنید که در سحر برکت است».

س: مقصود برکت سحری که در حدیث آمده چیست؟

ج: مراد از برکت سحر برکت شرعی و جسمی و بدنی است، اما برکت شرعی یعنی پیروی کردن از امر رسول الله ﷺ و برکت بدنی یعنی تغذیه بدنی یعنی تغذیه کردن بدن و قوی کردن آن برای روزه.

س: آیا ختم کردن قرآن در ماه رمضان واجب است؟

ج: ختم کردن قرآن در ماه رمضان برای روزه دار امری واجب نیست و برای انسان اما لازم است که در رمضان قرآن را ختم کند چون از سنت رسول الله ﷺ است که در این ماه پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت جبرئیل علیه السلام تمام قرآن را درس می گرفتند.

س: آیا قیام اللیل فقط باید در رمضان باشد یا در همه روزهای سال؟ و از چه ساعتی

شروع می‌شود آیا فقط قیام نماز است و یا نماز و قرائت قرآن کریم؟
ج: قیام اللیل با نماز و تهجد سنت است و فضیلتش این است که پیامبر ﷺ و اصحابشان همیشه آن را انجام می‌دادند.

خداوند متعال در سوره مزمل آیه ۲۰ می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَآئِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ﴾ [المزمل: ۲۰].

ترجمه: «خدا به حال تو آگاه است که تو و جمعی هم از آنان که با تو اند اغلب نزدیک تو ثلث یا نصف یا (لااقل) ثلث شب را همیشه به طاعت و نماز می‌پردازی».
و این اختصاص به ماه رمضان ندارد و وقتش بین عشاء و صبح است ولی در آخر شب بهتر است و اگر در وسط شب نماز خواند برایش اجر و پاداش است و الله اعلم.

ده روز آخر ماه رمضان

در صحیح بخاری و مسلم آمده است که حضرت عائشه رضی الله عنها فرمودند: رسول الله ﷺ هنگامیکه ۱۰ روز آخر رمضان می‌شد زیاد عبادت می‌کردند و شبها بیدار بودند و خانواده‌اش را نیز بیدار می‌کردند.

در روایت مسلم آمده است که حضرت عائشه رضی الله عنها می‌فرمودند: رسول الله ﷺ همیشه سخت در طاعت و عبادت غرق بودند و در رمضان و بر طاعت و عباداتش بیش از روزهای دیگر می‌افزوند.

حافظ ابن رجب گفت که رسول الله ﷺ ۱۰ روز آخر رمضان را اختصاص می‌دادند به کارهای که در ماه‌های قبل انجام نداده‌اند.

- ۱- شب بیداری، منظور از آن اینست که در تمام شب مشغول به عبادت بودند.
- ۲- پیامبر ﷺ بیدار می‌کردند خانواده ایشان را برای نماز در ده شب آخر رمضان اما در شب‌های دیگر نه.

۳- رسول الله ﷺ در شب‌های قدر زیاد عبادت می‌کردند.

۴- اعتکاف.

اعتکاف

در صحیح بخاری و مسلم آمده است عائشه رضی الله عنها می‌فرمودند پیامبر ﷺ در ۱۰ روز آخر از رمضان در اعتکاف می‌نشستند.

خود را با مناجات و ذکر و دعا مشغول می‌ساختند و خود را با مردم مشغول نمی‌ساختند و در خلوت اعتکاف می‌گرفتند.

معتکف کسی است که خودش را تمام وقت مشغول طاعت و عبادت می‌کند و از کارهای که قبلاً به آن مشغول بوده دوری می‌کند.

ای برادر و خواهر معتکف:

- نماز را به بهترین وجه با خشوع و فروتنی و خضوع بجای آور و آن را در اول وقت با جماعت ادا کن چرا که قیمت تو به انجام دادن کارهای صالح و فرض‌ها به بهترین وجه است.
- خود را به تلاوت قرآن و تدبر و تفکر در آن مشغول ساز چرا که آن همانند یاری است که اگر با او باشی تو را در تمام زندگیت هرگز تنها نمی‌گذارد.
- شب‌های اعتکاف بیدار بمان و در آن قیام اللیل را بجای آور و از خداوند عزوجل طلب استغفار کن چرا که این شب‌ها همانند دیگر شب‌ها نیست و آن را چون شب‌های دیگر به صبح مرسان.
- زیانت را از غیبت کردن، تهمت زدن، سخن جینی کردن و دیگر سخنان زشت بر حذر دار و جز سخن خیر چیز دیگری بر زیانت جاری مساز.
- فقط خداوند گریه وزاری را زیاد کن و شوخی و خنده زیاد را ترک کن و سعی کن که در تمام اوقات زندگیت این خصوصیات را داشته باشی.

- حق برادران مسلمانان را بجا آور و با آنها آنگونه که اسلام از تو خواسته رفتار کن یعنی آنها را بشناس و به آنها محبت کن، و به آنها خدمت و کمک کن. چرا که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [الحجرات: ۱]. ترجمه: «همانا مؤمنان با هم برادرند».

حکم اعتکاف و شرط‌هایش

س: آیا اعتکاف در ماه رمضان سنت موكده است و چه شرط‌های دارد؟
 ج: اعتکاف در رمضان سنتی است که پیامبر ﷺ آن را در حیاتش ایشان و همچنین همسرانشان در مسجد به اعتکاف می‌نشستند.
 اعتکاف لازم است به صورت شرعی انجام بگیرد و لازم است انسان مسجدی را برای طاعت خداوند پاک و متعال انتخاب کند طوری که خود را از دنیا دور کند و به انواع عبادت مانند ذکر خدا، نماز، صدقه دادن و... مشغول شود همانطور که رسول الله ﷺ با رغبت زیاد در این روزهای عبادت می‌کردند در اعتکاف می‌نشستند.
 معتکف با ید از کارهای دنیا و خرید دوری گزیند، و فروش نکند، از مسجد بیرون نرود، جنازه را همراهی نکند، به دیدار مریضی نرود ولی اگر فردی از خانواده‌اش به دیدنش آمد صحبت کردن با او اشکالی ندارد، همانطور که در ایام اعتکاف پیامبر ﷺ معتکف بودند و أم المؤمنین صفیه به دیدنشان رفتند با ایشان صحبت کردند.

لیلة القدر

قال الله تعالى: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿۱﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿۲﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿۳﴾ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿۴﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿۵﴾ [القدر].

ترجمه: «ما قرآن را در شب با ارزش «لیله القدر» فرو فرستاده‌ایم.. (۱) تو چه

می‌دانی شب قدر چه اندازه بزرگ و با عظمت است؟! (۲) شب قدر از هزار ماه بهتر است (۳) فرشتگان و جبرئیل در آن شب با اجازه پروردگارشان، پیایی می‌آیند برای هر گونه کاری که خداوند بدان دستور داده باشد (۴) آن شب، تا طلوع سپیده دم، شب سلامت و رحمت و درود است بر مؤمنان (۵)».

عبادت در این ماه و بیدار بودن به خاطر طاعت و عبادت و نماز و قرآن خواندن و ذکر گفتن و دعا کردن برابر است با عبادت هزار شب یعنی با ۸۳ سال و ۴ ماه رسول الله ﷺ فرمودند: «کسی که شب قدر را با ایمان خالص و گناهان پیشینش بخشیده می‌شوند». قیام الیل یعنی بیدار بودن و طاعت و عبادت کردن و نماز و قرآن خواندن و به ذکر و دعا و استغفار مشغول بودن و از خداوند متعال طلب مغفرت و آمرزش طلبیدن است. از عائشه رضی الله عنها است می‌فرمودند که گفتم یا رسول الله اگر دیدم و دانستم که شب لیلة القدر فرا رسیده است چه دعائی را بگوئیم؟

فرمودند «قولي: اللهم إنك عفوٌ تحب العفو فأعف عني».

بگو خداوند ابدوستی که تو بخشاینده مهربانی و دوستدار بخششی، پس ببخای مرا. ابن رجب می‌گوید: به طلب بخشش کردن در لیلة القدر به همراه سعی و تلاش خالصانه به درگاه خداوند در ده شب آخر رمضان امر شده است. چرا افراد صالح و با تقوا بسیار عبادت و طلب بخشش می‌کنند اما با این حال بر می‌گردند به گناهان قبلی شان و فکر می‌کنند و باز از خداوند طلب بخشش می‌کنند.

درجه‌های روزه داران

ابن رجب می‌گوید: روزه داران بر دو طبقه تقسیم می‌شوند:

۱- اولینشان کسی است که خوردن و آشامیدن و شهوتش را بخاطر خداوند متعال ترک می‌کند و عوضش را در بهشت از خداوند می‌خواهد و مثال چنین شخصی همانند تاجری است که با خداوند متعال معامله می‌کند، و خداوند متعال کار نیک کسی را

ضایع نمی‌کند.

۲- طبقه دوم کسی است که در دنیا بخاطر خداوند روزه می‌گیرد خودش را از گناه‌ها و شکمش را از خوردنی‌ها دور نگه می‌دارد و همیشه آخرت را بیاد می‌آورد و از زیبایی‌های دنیا دوری کرده، آن‌ها را برای آخرت ترک می‌کند.

رمضان ماه قرآن

ماه رمضان یعنی ماه نزول قرآن، اختصاص داده شده است به ماه قرآن همانطور که خداوند متعال در سوره بقره آیه ۱۸۵ می‌فرماید:

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ [البقرة: ۱۸۵].

ترجمه: «ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن مجید نازل شده است».

در صحیح بخاری و مسلم آمده است که ابن عباس می‌گویند: «رسول الله ﷺ از بهترین مردم هست و از بهترین بودند در رمضان هنگامیکه دیدار می‌کردند جبرئیل را و درس می‌دادند قرآن را به ایشان پس رسول الله ﷺ هنگامیکه جبرئیل دیدارش می‌کرد بهترین بودند در خوبی از باد وزنده».

این حدیث بر دوستی تدریس قرآن در رمضان و جمع اجتماع مردم به خاطر آن و قرآن خواندن بیشتر شخص حافظ قرآن برای مردم و این دلیلی است از علاقه بیشتر از خواندن قرآن در ماه رمضان.

رمضان ماه بخشش و سخاوت

پیامبر اکرم ﷺ در ماه رمضان بیش از پیش به عبادت و طاعت مشغول می‌شدند و بیش از همیشه سخاوتمند و کریم و بخشاینده می‌گشتند که این خود اشاره ایست به:

- ۱- دو برابر شدن اجر و پاداش اعمال در رمضان
- ۲- تشویق کردن روزه داران، نمازگزاران و ذکر کنندگان به بطشتر عبادت و طاعت کردن که خود اجر و پاداشی مانند انجام دادن آن کارهای نیک دارد.
- ۳- جزا و پاداش بستگی به کاری دارد که شخصی انجام می‌دهد و به نیتی که برایش آن کار را انجام داده، و کسی که بر بندگان خدا بذل و بخشش کند خداوند متعال نیز او را مورد بذل و بخشش خود قرار می‌دهد.
- ۴- یکی از راه‌های ورود به بهشت زیاد روزه گرفتن و صدقه دادن است که باعث بخشش گناهان و دوری از جهنم می‌شود.
- ۵- صدقه باعث می‌شود که اگر نقص و خللی در روزه بنده باشد آن را و بهمین خاطر بر هر شخص واجب است که در آخر رمضان زکات فطرش را پردازد تا که شاید با قیمانده کوتاهی‌ها و گناهانش پاک گردند.

چند نصیحت

- تو که می‌خواهی از بهترین‌ها باشی و در قیامت تاج سعادت بر سرت نهند بدین چند اندرز ما گوش فرا ده؛
- در ادا کردن نمازت در سر وقتش بسیار مواظب باش.
 - سعی کن ذکرهای نماز و دعاهای صبح و عصر را همیشه بر زبانت جاری سازی و بدان که اگر بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید در جای نشسته ذکر به ذکر خدا مشغول شوی و بعد از آن دو رکعت نماز اشراق (ضحی) را خواندی اجر و پاداش بزرگی در نزد خداوند متعال مانند اجر حج و عمره کامل خواهی داشت.
 - سعی کن همه نمازهای سنت مؤکده را بجای آوری دو رکعت آن قبل از صبح و ۴ رکعت قبل از ظهر و ۲ رکعت بعد از آن و ۲ رکعت بعد از مغرب و ۲ رکعت بعد از عشاء همانطور که رسول الله ﷺ فرمودند اگر مسلمانی هر روز ۱۲ رکعت سنت

- را برای خداوند متعال انجام دهد خداوند در بهشت قصری برایش مهیا می‌سازد.
- رمضان فرصت بسیار بزرگی است که آن را غنیمت بشماری، خیلی از مردم در سال‌های گذشته با ما روزه گرفتند ولی الآن در بین ما نیستند و در زیر خاک بسر می‌برند و یا اینکه بدرجه عجز و ناتوانی رسیده‌اند که نمی‌توانند روزه بگیرند پس سعی کن اعمال صالح انجام بدهی و بدان که اگر یاور رمضان باشی و او را به دوستی برگزینی خداوند نیز تو را به دوستی بر می‌گزیند و صحت و سلامتی بدست خواهی آورد که آن خود نعمت بسیار بزرگی است پس در همه حال شکرگذار خداوند متعال باش.
 - همه نیرو و توانت را در راه خواندن و فهمیدن قرآن بگذار و در هر روز از رمضان با خواندن قرآن سعی کن برای خودت توشه‌ای ذخیره کنی و در هنگامی که منزل را مشغول به کاری هستی به قرآن گوش فرا ده بده چرا که رمضان ماه قرآن است.
 - سعی کن از رها یافتگان از آتش هولناک جهنم و رحمت شدگان الهی باشی چرا که رمضان ماه بخشش است و خداوند متعال رمضان را ماه رهایی از آتش جهنم قرار داده است.
 - بدان که سخن زشت از اجر و پاداش روزه دار می‌کاهد پس زبانت را، حداقل در این ماه، از کلام حرام چون؛ غیبت، دروغ و سخن چینی حفظ کن و از اعمال و رفتار جاهلان کناره گیری کن و همیشه این سخن پیامبر ﷺ را آویزه گوشت ساز که می‌فرماید: «... فَإِنْ سَابَهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ: إِنْى صَائِمٌ، إِنْى صَائِمٌ». پس اگر کسی به تو حرف زشتی و یا قصد جمال و درگیری با تو را داشت بدو بگو من روزه دارم من روزه دارم.
 - در ماه رمضان از آنچه که خداوند به توارزانی داشته بسیار صدقه بده، همانطور که پیامبر ﷺ زیاد صدقه می‌دادند تا جایی که دست سخاویشان از باد وزنده پیش می‌گرفت.

- ماه رمضان ماه دعا است و در آن درهای بهشت باز می‌شوند و درهای جهنم بسته و شیطان در زنجیر اسارت برده می‌شود سعی کن در این ماه از دعا گویان و عاجزان درگاه الهی باشی.
- رمضان ماه عبادت است پس سعی کن نمازت را ادا کنی و اگر خواهری خواست در مسجد نمازش را بجا آورد باید را با پوشش و حجاب کامل و خوب و بدون بوی خوش بطرف مسجد رود و نباید که نمازگزاران را با بچه هایش اذیت و آزار رساند.
- رمضان فرصتی است برای تسکین نفس و پاک کردنت و بدان که پروردگار بقیه رمضان همان خدای ماه‌ها و روزهاست پس فقط بنده رمضان مباش.
- سعی کن وقتت را در خواب و تنبلی و یا با نشستن جلوی تلویزیون ضایع نکنی و سعی کن حداکثر استفاده را از عبادت کردن در این ماه ببری.
- سعی کن در شب لیلة القدر مانند ام المؤمنین اسوه و نمونه باشی، کسی که در شب لیلة القدر بسیار عبادت می‌کرد و می‌گفت؛ هنگامیکه از پیامبر خدا ﷺ در مورد دعای شب لیلة القدر سوال کردم ایشان فرمودند بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفْوٌ تَحِبُّ العفو فَأَعْفُ عَنِّي». بار الها تو بخشاینده ای و بخشش را دوست داری پس مرا ببخش.
- سعی کن قبل از نماز عید زکات فطرت را بدهی چرا که آن گناهان روزه دار را پاک کرده، و غذا و طعامی است برای گرسنه فقیر و درمانده محتاج.
- از خداوند متعال خواهان آن باش که روزه‌ها و نمازها و کارهای نیکویت را مورد قبول درگاهش قرار دهد و از اینکه در این ماه بخشش و غفران از گنه کاران باشی دوری کن. چرا که چقدر از روزه دارانند که از روزه شان جز تشنگی و گرسنگی هیچ بهره ای نبرده‌اند و چقدر از نماز گزارانند که چیزی جز مگر خستگی آیدشان

نمی‌شود.

- از اینکه از نافرمانی خداوند کنی، بخصوص در ماه رمضان بر حذر باش، چرا که همانطور که طاعت و عبادت اجر بزرگی در رمضان دارد گناه و معصیت را سزای بزرگی است.
- واگر در رمضان حیض شدی ناراحت مشو چرا که این امر برای دختران آدم قرار داده شده است و در این روزها با اعمال صالح دیگر از خداوند طلب اجر و پاداش را خواهان باش چرا که این روزها، روزه‌های مبارکی است.

عمره در ماه مبارک رمضان

برادر و خواهر مسلمانم!

عمره در رمضان ثواب بزرگی دارد همانطور که پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «عمره در رمضان مساوی با حج است» و در روایتی دیگر فرمودند: «برابر با حجی است با من». و بدان که:

نماز خواندن در مسجد الحرام به مثابه ۱۰۰ هزار نماز است و در مسجد نبوی هزار نماز پس غنیمت بدان این اجر و پاداش را و این فایده‌ها را حاصل کن، و دست و پاهایت را بالا بکش و آماده شو برای این ثواب بزرگ تا که شاید از رستگاران شوی.

وداع با ماه نور

در زمان پیامبر اکرم ﷺ مؤمنان صالح و پرهیزکار زیادی بودند که در رمضان برای جمع کردن اعمال صالح کوشش زیادی داشتند که سعی زیادی می‌کردند کاری را که شروع کرده‌اند آن را به خوبی به اتمام برسانند.

آن‌ها کسانی‌اند که خداوند در سوره مؤمنون آیه ۶۰ در مورد آن‌ها چنین می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ﴾ [المؤمنون: ۶۰].

ترجمه: «و آنان که وظایف خود را انجام می دهند و باز هم دل هایشان از فکر بازگشت به سوی خدا ترسان است».

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «کاری که انجام می دهید سعی کنید که بیشترین اهتمام را برای قبول شدنش بدهید».

بندگان صالح و پرهیزکار در گذشته ۶ ماه در سال دعا می کردند: بار خدایا ما را برای رمضان آینده زنده نگه دار، و ۶ ماه بعد از رمضان دعا می کردند که خداوند طاعات و عبادت هایشان را در رمضان گذشته مورد قبول درگاهش قرار دهد.

حضرت حسن رضی الله عنه می فرماید: خداوند متعال ماه رمضان را مانند میدان مسابقه ای قرار داده است که در آن بندگان صالح و پرهیزکار با طاعات و عبادتشان برای کسب رضایت خداوند مسابقه می دهند و در این میان گروهی هستند که از گروه دیگر سبقت می گیرند و از برنده شدگان می شوند.

حضرت علی رضی الله عنه در آخر شب های ماه رمضان فریاد بر می آوردند ای کاش می دانستم آن سعادت مند خوشبخت نیکوئی که دعایش پذیرفته می شود کیست و آن بیچاره محرومی که از درگاه حق رانده می شود و دعایش قبول نمی شود کیست.

ای بندگان خدا ماه رمضان قصد سفر دارد و از آن چیز کمی باقی نمانده اگر تا حال اعمال صالح و کارهای نیکوی زیادی انجام داده ای بیشتر بکوش که تا آخر رمضان چند پگاهی بیش نمانده.

واما تویی که اعمال صالح انجام نداده ای به هوش باش که چند روز دیگر برای اتمام رمضان باقی نمانده این چند روز را غنیمت بشمار و خودت را به خدای خود نزدیک تر کن و این را بدان که شاید تقدیر رمضان دیگری را برایت رگم نزده باشد.

بعد از رمضان

رمضان با همه خوبی‌ها و لطافت‌هایی که داشت بالأخره رخت بر بست و قلب‌های مشتاق عاشقانش را در هاله‌ای از امید به بازگشتی دیگر و ترس از اینکه دیگر دیداری در کار نباشد رها کرد.

رمضان امسال آمد و بسیاری از عزیزان و دوستان و آشنایانی که رمضان سال گذشته را در کنار ما به عبادت می‌پرداختند خبری نبود، و رمضان رفت و دوستانی را نیز با خود برد، و بار دیگر رمضان خواهد آمد، اما آیا ما خواهیم بود؟! و یا که رمضان می‌آید و بسیاری از ما - و شاید من و تو هم - زیر خروارها خاک خفته باشیم و با منکر و نکیر درگیر!..

رمضان آمد و بارهای سنگین گناه کمرهای ما را خم کرده بود، در چشمه جوشان رمضان - بامید مغفرت و بخشش الهی - همه آن گناهان شسته شد و شخصیت هر یک از ما بگونه‌ای دیگر ساخته شد؛ دور از گناه و سرشار از باده غفران و بخشش الهی، با درسهایی از صبر و بردباری و اراده، و با آموزش فقر اختیاری که دارایان را با درد مستمندان و ناداران مجبور آشنا ساخت، با تربیت شکمی که اساس همه اختلافات طبقاتی و روابط اجتماعی است - البته برخی رمضان را فقط اختلاف در اوقات غذا می‌دانند و از آن ماه خورد و نوش و خواب و آرامش ساخته‌اند، با این وجود رمضان آن‌ها را نیز از برکات خویش محروم نمی‌سازد! -.

در این ماه مبارک خداوند شیطان‌ها را بزنجیر کشید تا مؤمنان بدور از وساوس شیطان و سربازانش بتوانند پله‌های صعود و رسیدن بخداوند را بپیمایند، و اکنون که رمضان رفت ... تو گویی می‌خواهد مؤمنانی را که ادعای عشق می‌کنند بیازماید، تا ثابت شود که عشقشان عشقی است راستین و پایدار یا شعاری توخالی ...

حال که رمضان رفته خداوند شیطان‌هایی را که چون شیر درنده یک ماه کامل در زنجیر بودند را به یکباره آزاد می‌کند، خود تصور کنید که شیطان‌ها با چه شراست

و ددمنشی ای به شکارهای خود حمله ور خواهند شد، از اینروست که اهل عرفان گفته‌اند شیطان پس از رمضان از همیشه وحشی تر و درنده تر است، چون شیری که یک ماه کامل در بند زنجیر بوده و لب به شکاری نزده باشد!

منکرات و گناهانی که در روز عید شاهد آنی خود ترجمانی است از این شراست و ددمنشی شیطان که همه آن‌ها را در چشمان دوستان خویش زیبا جلوه می‌دهد... ای مؤمن بیا با کمال صداقت و مردانگی کمر به طاعت خداوند بر بندیم تا کمر شیطان بشکنیم. البته با زاد و توشه ای که از باغچه رمضان برگرفته‌ایم می‌توانیم بسادگی به آرزویمان دست یابیم.

در مکتب رمضان که خود سلطان فرصت‌های طلایی است آموختیم که فرصت‌های طلایی عبادت را غنیمت بشمریم، و اگر ما تنها و تنها به این نکته توجه کنیم تا آمدن رمضان آینده و درس دیگر بنظر من موفقیت بسیار بزرگی را بدست آورده‌ایم. در اینجا جای دارد به برخی از این فرصت‌های طلایی اشاره‌ای کنیم.

۱- شش (۶) روز روزه ماه شوال که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر کسی که پس از روزه رمضان شش روز از شوال را روزه بگیرد گویا همه سال را روزه گرفته است.

۲- نمازهای تهجد سحرگاهان. در وقت سحر خداوند بندگانش را می‌خواند: آیا کسی هست که از من آمرزش بخواهد تا او را بیامرزم... در این لحظه‌های حساس و فرصت‌های طلایی جای دارد مؤمنان با حداقل دو رکعت نماز خود را به پیشگاه الهی نزدیک سازند و خواست‌هایشان را از او و تنها او بخواهند.

۳- پایبندی به نمازهای جماعت پنجگانه.

۴- نماز ضحی - یا اشراق - دو رکعت نماز پس از بالا آمدن خورشید که بیشتر مردم از خداوند غافلند، پاداشت حج و عمره‌ی کاملی را برایت به ارمغان می‌آورد.

۵- پایبندی به دعا‌های صبح و شام.

۶- لبخندی بر لبانت! آیا زحمتی دارد که دو لب ت را کمی کش دهی و لبخندی بسازی که لبخند مؤمن به برادر مسلمانش صدقه است.

۷- روزه تاسوعا و عاشورا.

۸- اهتمام به عبادت در ده روز اول ماه ذی الحججه که در این ده روز عمل صالح پیش خداوند از هر چیز دیگری، حتی از جهاد در راه خدا بالاتر و والاتر است، مگر مجاهدی که با مال و جان خویش به معرکه رود و هرگز برنگردد!

۹- روزه روز عرفه که کفاره گناهان سال گذشته و آینده است.

۱۰- اهتمام و پایبندی به نمازهای جمعه، که جمعه تا جمعه کفاره گناهان میان آندو و سه روز بیشتر است. (یعنی ۱۰ روز).

اینها برخی از فرصت‌های طلایی است که ما از بزرگترین و والاترین و با ارزشترین فرصت طلایی که رمضان است آموختیم، رضانی که در آن شبی است بهتر از هزار شب، یعنی بهتر از هشتاد و سه سال و چهار ماه، و آنانی که چیزی از کرم و سخاوت الهی درک می‌کنند می‌دانند که «بهتری» نزد خداوند چه معنا دارد! - شاید بیش از هزار سال و شاید هم بیشتر ... - شب قدر پادشاه و سرور فرصت‌های طلایی بود، و خوشا بحال آنانکه این فرصت را غنیمت شمردند.

اگر هر یک از ما این فرصت‌های طلایی را با خطی بزرگ نوشته در اتاق خود و پیش روی خود آویزان کند تا همیشه بیادشان باشد بسادگی می‌تواند پیمان و عهدش را با رمضان تا بازگشت دوباره آن حفظ کند...

زکات فطر (فطریه)

عبدالله بن عمر می‌گوید: رسول الله ﷺ فطریه رمضان را برای هر زن و مرد و کوچک و بزرگ از مسلمانان فرض کرده است، فطریه یعنی یک صاع (دومشت) از غذایی است که شخص باید در ماه رمضان بدهد، البته نمی‌تواند فرش، لباس، حیوان یا کالا و یا چیز دیگری باشد چرا که این خلاف چیزی است که رسول الله ﷺ برای مردم قرار داده

است همانطور که می‌فرمایند: «من عمل عملاً لیس علیه أمرنا فهو ردّ».

«کسی که کاری را انجام دهد که من به آن امر نکرده‌ام کارش قابل قبول ما نیست».

* مقدار صاع ۲ کیلو و ۴۰ گرم از گندم خوب است.

* امام ابوحنیفه پول را برای فطریه دادن جایز می‌داند. چرا که هدف از فطریه بر طرف کردن حاجت بینوا در روز عید است تا با سایر مسلمانان در شادی و خوشحالی عید شریک گردد، در نتیجه او با پول می‌تواند نیازهایش را بهتر بر آورده سازد و شاید به برنج و یا گندم نیازی نداشته باشند.

فطریه باید قبل از نماز عید داده شود البته بهتر است فطریه روز عید قبل از نماز عید داده شود و می‌تواند یک یا دو روز قبل از آن نیز ادا شود و اگر بعد از نماز عید داده شود جایز نیست.

ابن عباس -رضی الله عنهما- از رسول الله ﷺ می‌فرمایند: «فرض زکاة الفطر طهارة للصائم من اللغو والرفث، وطعمة للمساكين، فمن أداها قبل الصلاة فهي زکاة مقبولة، ومن أداها بعد الصلاة فهي صدقة من الصدقات».

«زکات فطر بر هر مسلمان فرض است چرا که گناهان روزه دار را پاک می‌کند و غذای است برای فقیران اگر آن را قبل از نماز داد زکاتش پذیرفته می‌شود اما اگر بعد از نماز عید داد آن مانند صدقه است که می‌دهد و زکات فطر محسوب نمی‌شود».

ولی اگر کسی نمی‌دانست که مثلاً امروز عید است و بعد از نماز عید اطلاع یافت و یا در مکانی بود که مستحقی در آنجا نیافت که فطریه را به او بدهد بر او واجب می‌شود که بعد از نماز بدهد.

عید

عید برای کیست؟

برادر و خواهر مسلمانم:

عید شادی و خوشحالی است برای مؤمنان البته اگر از کسانی باشند که در این ماه از پیروز شدگان باشند.

﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [یونس: ۵۸].

ترجمه: «ای رسول الله بگو شما باید منحصراً بفضل و رحمت خدا شادمان شوید که آن بهتر و مفیدتر از ثروتی است که بر خود انداخته می‌کنید».

بدان که:

عید برای کسی نیست که لباس جدید می‌پوشد برای آن کسی است که بر طاعات و عباداتش افزوده شده است.

عید برای کسی که به لباسش زرق و برق و زیبایی افزوده نیست عید از آن کسی است که گناهانش بخشیده شده‌اند.

از سنت‌ها و مستحبات عید

- غسل کردن و خوشبو کردن بدن و پوشش بهترین لباس.
- خوردن، قبل از خارج شدن برای نماز در عید فطر.
- خارج شدن زنان و بچه‌ها برای عیدگاه.
- رفتن به سوی نماز عید از یک راه و برگشتن از راه دیگر.
- صدقه زیاد دادن.
- اظهار شادی و خوشحالی هنگام دیدار با مسلمانان.
- تهنیت و تبریک گفتن به هم دیگر با گفتن «تقبل الله منا ومنك». «خداوند طاعات و عبادات همه ما و شما را قبول فرماید».
- تکبیر گفتن در عید فطر از وقتی که به سوی نماز خارج می‌شویم تا وقت خطبه و بعضی از علما تکبیر را از شب عید شروع می‌کنند.

وقت نماز عید

وقت نماز عید به اندازه یک متر یا دو متر یا حدود نصف ساعت بعد از طلوع آفتاب تا قبل از ظهر است.

مکان نماز

اکثر علما می‌گویند که بغیر از مکه در جاهای دیگر باید نماز عید در عیدگاه خوانده شود نه در مسجد، مگر در وقت ضرورت و یا معذوریت چون باریدن باران و یا گرمای طاقت فرسا.

اما طبق نظریه امام شافعی خواندن نماز عید در مسجد بهتر است مگر در زمانی که جا در مسجد تنگ باشد در این صورت در صحرا و یا جایی گسترده‌تر در خارج و یا کناره شهر می‌توان نماز گذارد.

نماز عید شامل دو رکعت بدون اذان و اقامه است و قبل از آن خطبه انجام می‌گیرد و قبل از هیچ نماز عید نماز نقلی جایز نیست.

قضاء نماز عید

أئمه حنفی و مالکی می‌گویند کسی که نماز عیدش را از دست داد و نتوانست آن را با امام بجای آورد جایز نیست که به تنهای نماز بخواند باید با جماعت نماز گزارد و اگر امکان داشت که با امام دیگری نماز گزارد نمازش را ادا کند.

امام شافعی و امام حنبلی می‌گویند: کسی که نماز عیدش را با امام از دست داد قضایش را مانند نماز عید بجا آورد (برای اینکه حضرت انس رضی الله عنه هنگامی که نمازش در جماعت فوت شد خودشان به تنهایی نمازشان را ادا کردند و شاید این رأی درستتر باشد).

در پایان دست‌های تضرع و زاری به درگاه احدیت دراز نموده دعا می‌کنیم:

«اللهم اغفر لنا ذنوبنا، وتقبل صيامنا وقيامنا وأختم بالصالحات أعمالنا، وصلى الله وسلم

وبارك على نبينا محمد وعلى آله وصحبه وسلم».

ضمیمه

١- دعای قنوت

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله العظيم القديم الأزل، يغفر الذنوب ويعفو الزلل، تنزه مولانا وخالقنا عن النقص والعلل، جبار قوي لا يكل ولا يمل.

لا إله إلا الله الواحد الأحد، الفرد الصمد، الذي لم يلد ولم يولد، ولم يكن له كفوا أحد، لا إله إلا الله، بها نحيا، وبها نموت، وبها نلقى الله، وبها نوالي، وبها نعادي، سبحانه من إله عظيم يغفر الذنوب ولا يبالي.

لا إله إلا الله العظيم التواب، الغفور الوهاب، الذي خضعت لعظمته الرقاب وذلت لجبروته الصعاب وخشعت لملكوته أولو الألباب، يسبح الرعد بحمده والسحاب، غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب، لا إله إلا هو عليه توكلنا وإليه متاب.

لا إله إلا الله ذو الجلال والإكرام، وهو الله الملك القدوس السلام. سبحانه الله الملك القدوس المطاع، سبحانه الله عدد ما دعا لله داع، سبحانه الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر.

اللهم لك الحمد، أنت قيم السماوات والأرض ومن فيهن، ولك الحمد أنت مالك السماوات والأرض ومن فيهن، ولك الحمد أنت نور السماوات والأرض ومن فيهن. اللهم

لك الحمد، أنت الحق، ووعدك الحق، ولقاؤك حق، وقولك حق، والجنة حق، والنار حق، والنبیون حق، ومحمد حق، والساعة حق.

اللهم لك أسلمت، وإليك حاكمت، فاغفر لي ما قدمت وما أخرت وما أسررت وما أعلنت، وأنت المقدم، وأنت المؤخر، لا إله إلا أنت.

اللهم لك الحمد كله، وإليك يرجع الأمر كله، اللهم لك الحمد حتى ترضى ولك الحمد حين الرضى ولك الحمد بعد الرضى.

اللهم صلِّ وسلم وبارك على عبدك ونبيك محمد ﷺ عدد ما أحاط به علمك، وخط به قلمك، وأحصاه كتابك، وصل وسلم وبارك عليه ملء الجنان والفردوس الأعلى، اللهم صلِّ وسلم عليه حتى ترضى.

اللهم اهدنا فيمن هديت، وعافنا فيمن عافيت، وتولنا فيمن توليت، وبارك لنا فيما أعطيت، وقنا واصرف عنا شر ما قضيت، فإنك تقضي ولا يقضى عليك وإنه لا يعز من عاديت ولا يذل من واليت، تباركت ربنا وتعاليت، نستغفرك اللهم من جميع الذنوب والخطايا ونتوب إليك. أهل الثناء والمجد، أحق ما قال العبد وكلنا لك عبد، اللهم لا مانع لما أعطيت ولا معطي لما منعت، ولا ينفع ذا الجد منك الجد.

اللهم اقسم لنا من خشيتك ما تحول به بيننا وبين معصيتك، ومن طاعتك ما تبلغنا به جنتك، ومن اليقين ما تهون به علينا مصائب الدنيا والآخرة، ومتعنا اللهم بأسماعنا وأبصارنا وقواتنا أبدا ما أحييتنا، واجعله الوارث منا، واجعل ثأرنا على من ظلمنا، ولا تجعل مصيبتنا في ديننا، ولا تجعل الدنيا أكبر همنا، ولا مبلغ علمنا، ولا إلى النار مصيرنا، واجعل الجنة هي دارنا، ولا تسلط علينا بذنوبنا من لا يخافك فينا ولا يرحمنا، برحمتك يا أرحم الراحمين، اللهم إنك عفو كريم تحب العفو فاعف عنا، اللهم إنك عفو

كريم تحب العفو فاعف عنا.

اللهم إن طردتنا من باب جودك فمن الذي يؤوينا؟ وإن أبعدتنا فمن الذي يقربنا؟ إلهنا، ذنوبنا إليك صاعدة، ورحمتك بنا نازلة، يا رب الأرباب، ويا ملك الملوك، إنا نشكو إليك ضعف قوتنا، وقلة حيلتنا، وهواننا على الناس، يا أكرم الأكرمين، ويا أرحم الراحمين، أنت رب المستضعفين، وأنت ربنا، إلى من تكلنا؟ إلى بعيد يتجهمنا؟ أم عدو ملكته أمرنا؟ إن لم يكن بك علينا غضب فلا نبالي، ولكن عافيتك هي أوسع لنا. نعوذ بنور وجهك الذي أشرقت له الظلمات وصلح عليه أمر الدنيا والآخرة من أن تنزل بنا غضبك أو يحل علينا سخطك، لك العتبي حتى ترضى ولا حول ولا قوة إلا بك.

اللهم إنا ندعوك دعاء المساكين، ونرجوك رجاء الخائفين رجاء من كثرت ذنوبه، وقلّت حسناته، وأجمته خطاياها ولم يجد إلا أنت راحما ولم يجد إلا أنت ناصرا، يا أرحم الراحمين، ويا أكرم الأكرمين، يا رب العالمين، يا واسع الفضل، يا واسع المغفرة، اختم لنا حياتنا برضوانك والعتق من نيرانك يا رب العالمين.

أنت الغني ونحن الفقراء، وأنت القوي ونحن الضعفاء، وإنا عبيدك، بنو عبيدك، بنو إمامك، نواصينا بيدك، ماض فينا حكمك، عدل فينا قضاءك، نسألك اللهم بكل اسم هو لك، سميت به نفسك، أو أنزلته في كتابك، أو علمته أحد من خلقك، أو استأثرت به في علم الغيب عندك، أن تجعل القرآن العظيم ربيع قلوبنا، ونور صدورنا، وجلاء أحزاننا، وذهاب همومنا وغمومنا.

اللهم اجعل القرآن العظيم حجة لنا، ولا تجعله حجة علينا. واجعلنا اللهم ممن قرأ القرآن فارتقى به القرآن في أعلى الجنان، ولا تجعلنا ممن قرأ القرآن فزجّ به القرآن في النار، اللهم اجعلنا من حملة القرآن ومن حفاظ القرآن ومن جنود القرآن تحت لواء القرآن، واجعلنا اللهم من

أهل القرآن وخاصته.

اللهم زين قلوبنا بزينة الإيوان واجعلنا هداة مهتدين، وارفع مقتك وغضبك عنا، ولا تؤاخذنا بما فعل السفهاء منا.

اللهم إنا نسألك فعل الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين وأن تغفر لنا وترحمنا وإذا أردت فتنة قوم فتوفنا غير مفتونين.

اللهم إنا نسألك حبك، وحب من يحبك، وحب عمل يقربنا إلى حبك، وحب من ينفعنا حبه عندك.

اللهم لا تدع لنا في مقامنا هذا ذنبا إلا غفرته، ولا همّا إلا فرجته، ولا دينا إلا قضيته، ولا حاجة من حوائج الدنيا هي لك رضا ولنا فيها صلاح إلا قضيتها ويسرتها يا أرحم الراحمين. إلهنا وخالقنا، يا رحمان ويا رحيم لو بلغت ذنوبنا عنان السماء ما يئسنا من رحمتك، فإن رحمتك أوسع لنا.

اللهم كن لنا ولا تكن علينا، اللهم اختم بالسعادة آجالنا وحقق بالزيادة آمالنا واقرن بالعافية غدونا وأصالنا، واجعل إلى رحمتك مصيرنا ومآلنا.

اللهم أصلح لنا ديننا الذي هو عصمة أمرنا وأصلح لنا دنيانا التي فيها معاشنا وأصلح لنا آخرتنا التي إليها معادنا واجعل الحياة زيادة لنا في كل خير واجعل الموت راحة لنا من كل شر. اللهم إنا ظلمنا أنفسنا ظلما كثيرا، وإنه لا يغفر الذنوب إلا أنت فاغفر لنا مغفرة من عندك وارحمنا إنك أنت الغفور الرحيم.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا

رَبَّنَا إِنَّكَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ﴾

اللهم انصر الإسلام والمسلمين، اللهم انصر الجهاد والمجاهدين، اللهم انصر من نصر دين

محمد ﷺ واجعلنا منهم، اللهم اخذل من خذل دين محمد ﷺ ولا تجعلنا منهم.
 اللهم من أراد الإسلام والمسلمين بسوء فاشغله في نفسه واجعل تدبيره في تدميره.
 اللهم فرّج عن المسلمين في كل مكان، اللهم فرّج عن المسلمين في فلسطين والفلبين
 والشيشان، اللهم فرّج عن المسلمين في كشمير واندونيسيا وأفغانستان.
 اللهم عليك بجيوش الكفر والنفاق، اللهم العنهم وعذبهم ودمرهم.
 اللهم عليك بإسرائيل وأمريكا ومن معهم وكل من ساعدهم، اللهم إنا نجعلك في
 نحورهم ونعوذ بك من شرورهم. اللهم أرنا فيهم يوماً أسوداً كيوم هامان وفرعون.
 اللهم يا منزل الكتاب ومجرى السحاب وسريع الحساب وهازم الأحزاب اهزمهم يا قوي
 يا جبار يا منتقم يا متكبر يا قهار يا عظيم يا شديد البطش. اللهم أنت القهار وأنت الجبار أرنا
 قهرك وجبروتك في هؤلاء الكفار.
 اللهم قد أفسدوا البلاد، وقتلوا العباد، وذبحوا الأطفال وسبوا النساء، اللهم دمّر ديارهم
 وشتت شملهم وزلزل أقدامهم وجمد الدماء في عروقهم وخذهم أخذ عزيز مقتدر عاجلاً غير
 آجل إنك على كل شيء قدير.
 اللهم يا رب طير أباييل سلط أباييلك على جنود الكفر في كل مكان.
 اللهم انصر مجاهدي دينك، اللهم أمددهم بمدد من السماء، اللهم أمددهم بملائكة بدر
 وأحزاب، اللهم كن معهم ولا تكن عليهم.
 اللهم أنت الشافي لا شفاء إلا شفاءك فاشف مرضانا ومرض المسلمين، اللهم اشف
 جرحى المجاهدين شفاء لا يغادر سقماً. اللهم اشفنا من أمراض البدن والروح، اللهم اشفنا
 من أمراض البدن والروح، اللهم اشفنا من أمراض البدن والروح.
 اللهم إنك قلت وقولك حق ﴿أَدْعُوْنِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ وها نحن ببابك قد دعوناك كما

أمرتنا فاستجب لنا كما وعدتنا ولا طردنا عن باب جودك خائبين.

وصل اللهم وسلم على عبدك ونبيك محمد ﷺ وعلى صحابته ومن تبعهم إحسان إلى يوم الدين.

سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين. آمين

۲- نیایش سحر گاهان

«بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ الْقَدِيمِ الْأَزَلِّ، يَغْفِرُ الذُّنُوبَ وَيَعْفُو الزَّلَّلَ، تَنْزَهُ مَوْلَانَا وَخَالِقُنَا عَنِ النَّقْصِ وَالْعِلَلِ، جَبَّارٌ قَوِيٌّ لَا يَكُلُّ وَلَا يَمَلُّ».

بنام پروردگار همیشه زنده، بزرگ و پاینده، بخشاینده گناهان، و درگذر کننده از اشتباهات، پاک است و منزّه پروردگار ما از کمی‌ها و کاستی‌ها، قوی و نیرومند است، ناتوانی و سستی را بر او راهی نیست.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ».

هیچ معبودی لائق پرستش نیست مگر پروردگار بزرگ و بردبار، جز آفریننده و پادشاه آسمان‌ها و زمین هیچ معبودی شایستگی پرستش ندارد، هیچ اله و معبودی نیست مگر الله تعالی، پروردگار آسمان‌ها و زمین، پروردگار بخشاینده و مهربان، مالک و صاحب عرش بزرگ، شاهنشاه جهان آفرینش.

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى عَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَخَطَّ بِهِ قَلَمُكَ، وَأَحْصَاهُ كِتَابُكَ، وَصَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَيْهِ مِلْءَ الْجَنَانِ وَالْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى، اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ حَتَّى تَرْضَى».

بار الها به اندازه علم و دانشت و به عدد کلماتی که قلمت نگاشته و کتابت بر شمرده صلوات و سلام و درود فرست بر بنده و پیامبرت محمد ﷺ الهی به وسعت بهشت‌ها

و فردوس برینت بر او صلوات‌ها و سلام‌ها فرست. بارخدایا بر پیامبرت آنقدر سلام و درود فرست که موجب خشنودی و رضایت گردد.

«اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنَا فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنَا فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي مَا أَعْطَيْتَ، وَفِنَا وَاصْرِفْ عَنَّا شَرَّ مَا قَضَيْتَ، فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَىٰ عَلَيْكَ وَإِنَّهُ لَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ وَلَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، تَبَارَكَتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا وَنَتُوبُ إِلَيْكَ».

بار الها ما را در زمره هدایت یافتگان درگاهت قرار ده. وبا آنکه گناهانشان را آمرزیده‌ای همراه گردان. وبه دوستی گیر با دوستانت و در آنچه بما ارزانی داشته‌ای برکت نه. ومارا درپناه خویش از زشتی وپلیدیها دورگردان چرا که قضا و قدر در دست توانای توست وکسی را قدرت محاسبه تو نیست. الهی کسی را توانائی عزت و شرف بخشیدن نیست آنکس را که تو دشمن شمرده‌ای. وکس نتواند خوار کند آنکه را بدوستی گرفته‌ای. پاک و منزه‌ی تو ای پروردگار ما. از همه گناهان و زشتی‌ها به درگاه مغفرت و بخشش تو روی آورده‌ایم.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، الْمَنَّانُ، يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، إِنَّا نَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ».

بار الها حمد و سپاس تنها شایسته بزرگی توست، جز تو هیچ اله و معبودی نیست، تویی پروردگار بخشاینده، نیست هیچ شریکی تو را، ای آفریننده آسمان‌ها و زمین، ای شاهنشاه سخاوت و بزرگی، ای آگاه و توانا و دانا بر همه چیز و همه کس، ما از درگاه تو بهشت برین را مسألت داریم و از عذاب هولناک آتش جهنم به بزرگیت پناه می‌بریم.

﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾

بار الها ما بدانچه بر پیامبرت فرو فرستادی ایمان آوردیم و از او پیروی نمودیم، پس

ما را با راستگويان و شاهدان و گواهان حق محشور فرما.

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾﴾

الهی ما را آزمون آزار و بلای ستمگران و ظالمان قرار مده و با فضل و رحمت خویش ما را از آماج فتنه و بلاهای کافران نجات بخش.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

پروردگارا، ببخشای بر ما گناهانمان را و از زیاده رویها و تندرویهایمان درگذر و ما را در راهت ثابت قدم دار و بر ملت‌های کافر پیروزمان گردان.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

بار الها در دنیا بما خیر ارزانی دار و سرای آخرت‌مان را خوشبخت و با سعادت گردان و ما را از عذاب آتش جهنم برهان.

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ

مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

بار الها، ما را بر اشتباهات و فراموشی‌هایمان بازخواست مکن، الهی بار تکالیف و مسئولیت‌های سنگین را آنچنانکه بر دوش ملت‌های پیشین، بسبب گناهان و معصیت‌هایشان، گذاشته بودی بر دوش ماگذار، پروردگارا بر ما آنچه که ما را یارای آن نیست و از قدرت و توانمان خارج است تحمیل مگردان، و از گناهانمان درگذر و ما را مورد عفو و بخشش و رحمت و شفقت خویش قرار ده، تویی یار و یاور ما، پس ما را بر ملت‌های کافر پیروز گردان.

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٨٧﴾﴾

بار الها پس از آنکه لذت و حلاوت ایمان را به قلب‌هایمان چشاندی آن‌ها را از راه سعادت گمراه و سرگردان مکن، و از درگاه خودت بما رحمتی ارزانی دار که تنها تویی سخاوتمندترین بخشایشگران.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾.

پروردگارا از گناهان و معصیت‌های ما و برادرانمان که در راه ایمان بر ما پیشی گرفتند درگذر، و ما را بیامرز. الهی در قلب‌ها و دل‌های ما هیچ کینه و حقدی بر مسلمانی جای مده. بار الها، تو بسیار رئوف و مهربان و بخشنده‌ای.

«اللَّهُمَّ اصْلِحْ لَنَا دِينَنَا الَّذِي هُوَ عِصْمَةٌ أَمْرِنَا، وَاصْلِحْ لَنَا دُنْيَانَا الَّتِي فِيهَا مَعَاشِنَا، وَاصْلِحْ لَنَا آخِرَتَنَا الَّتِي فِيهَا مَعَادُنَا، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لَنَا فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لَنَا مِنْ كُلِّ شَرٍّ».

بار الها، دینتداری ما را اصلاح گردان که صلاح و موفقیت در کارهایمان بر آن است، و دنیایمان را پاک ساز که حیات و زندگیمان در آن است و آخرتمان را نیکوکن که بازگشتمان به سوی آنست. و همواره خیر و خوبی‌ها را بر زندگیمان بیفزای و با مرگ ما را از همه زشتی‌ها و بدی‌ها برهان.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَالتَّقَىٰ، وَالعَفَافَ، وَالعِغْنَىٰ».

الهی بر ما هدایت و رستگاری، تقوا و پاکدامنی، قناعت و خوشدلی ارزانی دار.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالكَسَلِ، وَالجُبْنِ، وَالبُخْلِ، وَالهَرَمِ، وَعَذَابِ القَبْرِ، اللَّهُمَّ آتِ نُوفُوسَنَا تَقْوَاهَا، وَرَكَعَهَا أَنْتَ خَيْرٌ مِنْ رَكَعَاهَا. أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا».

الهی ما از تنبلی و ناتوانی، ترسوئی و بخیلی، پیری و عذاب قبر به تو پناه می‌بریم. بار الها به دل‌های ما تقوا ارزانی دار و آن‌ها را پاک ساز که تو از همه به پاکی آن‌ها تواناتری، تو صاحب امر و مالک آن‌هایی. الهی ما از علم بیهوده و بی‌فایده و از قلبی که از تو هراس و ترسی ندارد، و از جان و تنی که سیری و قناعت نمی‌شناسد و از دعائی که پذیرفته درگاہت نیست به تو پناه می‌بریم.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ، وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ».

بار الها ما از اینکه نعمت‌هایت از ما گرفته شود، و سلامتی و عافیتی را که به ما ارزانی داشته‌ای از دست دهیم و از اینکه ناگهان مورد خشم و غضب تو قرار گیریم، و از هر گونه خشم و نارضایتی ات بتو پناه می‌آوریم.

«اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ نَرْجُو فَلَا تَكِلْنَا إِلَى أَنْفُسِنَا طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَاصْلِحْ لَنَا شَأْنَنَا كُلَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

الهی برحمتت چشم امید دوخته‌ایم، پس ما را لحظه‌ای به حال خود وامگذار، همه کارها و امورمان را نیکو گردان، هیچ الهی و معبودی نیست مگر ذات پاک تو.

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾

هیچ اله و معبودی نیست مگر ذات پاکت، تو پاکی و منزّه، منم که برخود ظلم و ستم روا داشته‌ام.

«اللَّهُمَّ إِنَّا عِبِيدُكَ، بَنُو عِبِيدِكَ، بَنُو إِمَائِكَ، نَوَاصِينَا بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيْنَا حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيْنَا قَضَاؤُكَ. نَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَتْ بِهِ نَفْسُكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْتَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قُلُوبِنَا، وَتُورَ صُدُورِنَا، وَجَلَاءَ أَحْزَانِنَا، وَذَهَابَ هُمُومِنَا».

بار الها، ما بندگان و بردگان تو، فرزندان بردگان تو، فرزندان کنیزکان دربارت، امورمان همه در توان و قدرت و اختیارت، هر آنچه امر کنی بر ما روا باشد و هر حکمی در حق ما صادر کنی عدل است و داد، به هر اسمی که شایسته بزرگی توست و بدان خودت را نام نهاده‌ای یا که در کتابت آورده‌ای، یا که به بنده‌ای از بندگان آموخت‌های، و یا که در علم غیب محفوظ داشت‌های، از تو می‌خواهیم که قرآن را بهار قلب‌هایمان و نور سینه‌هایمان و جلا دهنده غم و اندوهمان و پاک کننده ناراحتی‌هایمان سازی.

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوفٌ كَرِيمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَاعِفُ عَنَّا».

الهی تو کریمی و بخشاینده و بخشایش را می‌پسندی پس از ما درگذر.
 «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ، وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ، وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا،
 وَتَرْحَمَنَا، وَإِذَا أَرَدْتَ فِتْنَةَ قَوْمٍ فَتَوَفَّنَا غَيْرَ مَفْتُونٍ، وَنَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ
 عَمَلٍ يُقَرِّبُنَا إِلَى حُبِّكَ».

بار الها ما را در انجام کارهای خیر یاری ده، و از زشتی‌ها بازدار، و دوستی و محبت
 بینویان را در قلبمان جای ده، و از ما درگذر و رحمت و بخشایش را نصیب حالمان کن،
 و اگر خواستی قومی را به فتنه و امتحانی براندازی، بدون آزمایش و امتحان جانمان بستان.
 الهی ما را از دوستیت و محبت دوستان و محبت هر آنچه ما را بتو نزدیک‌تر می‌سازد
 بهر مند ساز.

«اللَّهُمَّ اقْسِمَ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا نُحْوِلُ بِهِ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ
 جَنَّتِكَ، وَمِنْ الْيَقِينِ مَا تَهْوُونَ بِهِ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ مَتَّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُوَاتِنَا مَا
 أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَأْرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا، وَانصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا، وَلَا تَجْعَلْ
 مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا».

بار الها، آن مقدار از ترس و هراس از قدرت و توانت بما ارزانی دار، که بین ما و گناهان
 دوری افکند، و آن قدر از توفیق طاعت و عبادت بما ارزانی ده، که ما را به بهشت برین
 رساند. و آن مقدار از ایمان و یقین که مشکلات و مصائب دنیا را برایمان آسان
 و هموار سازد. الهی ما را از نعمت شنوائی و بینائی و نیرو و توانمندی تا آخرین لحظه‌ای که
 بما زندگی عطا می‌فرمائی محروم مساز، و وارث ما را از خودمان قرار ده، و انتقام ما را از
 کسی که بر ما ظلم روا دارد بگیر، و ما را بر آنکس که بر ما دشمنی می‌ورزد یاری ده،
 و مصیبت و گرفتاری‌هایمان را در دینمان مگردان، و دنیا را بزرگترین آرزو و امیدمان،
 و بالاترین درجه علم و دانش و فهممان قرار مده و کسی را که بر ما رحم و شفقت ندارد بر
 ما چیره مگردان.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ».

بار الها، بما ارزانی دار آنچه که دروازه‌های پر سخاوت رحمت و بخشایش را برویمان می‌گشاید. وما را از معصیت و گناه بر حذر داشته به سوی نیکی‌ها و خوبی‌ها روانه ساز. الهی درهای نورانی بهشت را برویمان بگشای و ما را از آتش سوزناک و عذاب هولناک جهنم در امان دار.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ بِأَنَّكَ الْوَاحِدُ، الْأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا ذُنُوبَنَا، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ».

ای پروردگار یگانه و یکتا، ای آنکه دستان محتاجان تنها به سوی تو دراز است، تو پاکی از اینکه فرزند و یا پدر باشی، و تو پاک و منزهی از شریک داشتن، تو را مثل ومانندی نیست. بار الها، ببخشای بر ما گناهانمان را، تنها تویی بخشاینده مهربان.

«اللَّهُمَّ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِنَا، وَاصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا، وَاهْدِنَا سُبُلَ السَّلَامِ، وَنَجِّنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَجَنِّبْنَا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي أَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُلُوبِنَا، وَأَزْوَاجِنَا، وَذُرِّيَّاتِنَا، وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَاجْعَلْنَا شَاكِرِينَ لِنِعْمِكَ مُتِّينِينَ بِهَا عَلَيْكَ قَابِلِينَ لَهَا وَأَتِمِّمَهَا عَلَيْنَا».

بار الها، بین قلب‌ها و دل‌هایمان محبت و آلفت آفرین و سوء تفاهم‌هایمان را برطرف ساخته ما را براه سعادت و رستگاری رهنمون فرما. الهی از سیاهچال‌های گمراهی به نور ایمانمان هدایت نموده از بدی‌ها و زشتی‌های آشکار و پنهان ما را در امان دار. پروردگارا درشنوائی و بینائیمان و در دل‌ها و قلب‌هایمان و در همسران و فرزندانمان برکت عطا فرما. و ببخشای بر ما که تویی بخشاینده مهربان. بار الها، ما را شکرگذار نعمت‌های بیدریغت قرار ده و به ما توفیق آن ده که همیشه حمد و سپاس و ستایش تو گوئیم و ما را مستحق و قابل آنهمه فضل و کرمات قرار ده و بیفزای بر ما خیر و نیکی را.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ عَيْشَةً نَقِيَّةً، وَمَمَاتَةً سَوِيَّةً، وَمَرَدًّا غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ».

بار الها، سعادت و خوشبختی و شادکامی در زندگی را از درگاه عظمت و بزرگیت مسألت داریم. الهی مرگمان را به آرامی و راحتی بر ما نازل فرما، و از بازگشت زشت و ناشایسته به سوی درگاه عدلت در امانمان دار.

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَسِيرِينَ﴾

بار الها ما با نافرمانی دستورات تو به خویشتن ظلم و ستم ورزیده‌ایم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم و شفقت نورزی از زیانکاران خواهیم شد ...

﴿رَبَّنَا عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾

پروردگارا بتو توکل جسته‌ایم و بسوی تو روی آورده‌ایم و بازگشت همگان به سوی توست.

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَآغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

بار الها، کافران را بر ما چیره مگردان و ما را سبب روی گردانی آنان از دینت مساز، پروردگارا ببخشای ما را که تو بر همه چیز توانا و دانایی.

«اللَّهُمَّ انصُرِ الْإِسْلَامَ وَالْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ انصُرِ الْجِهَادَ وَالْمُجَاهِدِينَ، اللَّهُمَّ انصُرْ مَنْ نَصَرَ دِينَ مُحَمَّدٍ ﷺ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ اخذُلْ مَنْ خَذَلَ دِينَ مُحَمَّدٍ ﷺ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْهُمْ».

بار الها پیروز گردان اسلام و مسلمانان را. الهی یاری ده جهاد و مجاهدان را. پیروز گردان هر آنکس که دین محمد ﷺ را یاری می‌دهد و ما را از زمره ایشان قرار ده. الهی خوار و رسوا ساز آنان را که خوار ساخته‌اند دین محمد ﷺ را و ما را از آنان قرار مده.

«اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَ الْإِسْلَامَ وَالْمُسْلِمِينَ بِسُوءٍ فَاشْغَلْهُ فِي نَفْسِهِ وَاجْعَلْ تَدْبِيرَهُ فِي تَدْمِيرِهِ».

پروردگارا هر آنکس که بر علیه اسلام و مسلمانان نقشه می‌کشد را بخودش مشغول دار، و نیرنگ و حيله‌اش را سبب هلاکت و نابودیش قرار ده.

«اللَّهُمَّ عَلَيْنِكَ بِأَعْدَاءِ الْإِسْلَامِ وَبِكُلِّ مَنْ سَاعَدَهُمْ وَسَانَدَهُمْ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي

نُحُورِهِمْ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ. اللَّهُمَّ أَرِنَا فِيهِمْ يَوْمًا أَسْوَدًا كَيَوْمِ هَامَانَ وَفِرْعَوْنَ».

پروردگارا دشمنان اسلام و هر آنکس که دست یاری و کمک بدانان داد را خوار و رسوا ساز. بار الها تیر زهراگینت را در حلقومشان فرو بر و ما را از بلاها و نیرنگهایشان در امان دار.

بارخدایا آنان را چو هامانیان و فرعونیان هلاک و نابود گردان.

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ حَقٌّ: ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ وَهَا نَحْنُ بِبَابِ جُودِكَ قَدْ

دَعَوْنَاكَ كَمَا أَمَرْتَنَا فَاسْتَجِبْ لَنَا كَمَا وَعَدْتَنَا وَلَا طُرْدْنَا عَنْ بَابِ جُودِكَ خَائِبِينَ».

بار الها تو گفتی و سخنت راست است و حقیقت «مرا خوانید تا حاجتهایتان برآرم» و حال این مائیم که بر دروازه کرم و سخاوت آنچنان که امر فرموده ای دست تضرع و زاری دراز نموده‌ایم پس دعاهایمان را پذیرا باش و ما را از درگاه سخاوتت دل شکسته و ناامید مرهان.

«وَصَلِّ اللَّهُمَّ وَسَلِّمْ عَلَى عَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ وَعَلَىٰ آلِهِ وَصَحَابَتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ بِإِحْسَانٍ إِلَىٰ

يَوْمِ الدِّينِ».

بار الها سلام و درود فرست بر بنده و پیامبرت محمد ﷺ و بر خاندان و یاران و پیروان

راستینش تا روز قیامت.